

پژواک

نشریه سیاسی - خبری جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی

شماره ۱۴

۱ مهر ۱۳۶۶

جنبش ما و سیاست صراحت و شفافیت

در اتحاد شوروی، مهاد انقلاب اکثر و برخی دیگر کشورهای سوسیالیستی، تهاجم ایندولوپیک بزرگی علیه تفکرات کهن و پوسیده آغاز شده است. تهاجم شیوه تفکر نوین که هر روز انبساط بیشتری به خود می‌گیرد، در پیکار علیه شیوه تفکر منحصر و زوال یافته‌های که خواهان در پندیدن دادن مارکسیسم خلاق، ساده و میان تهی کردن آموزشهای دور ساز آن و تبدیل آن به دکمهای آبه و اربذ هبی است، هر روز سنگرهای تازه‌ای از معرفت اجتماعی را فتح می‌کند. امروز شیوه تفکر محافظه کارانهای که طی گذشت چندین دهه پس از دوران انتقاد از کیش شخصیت استالینس، همچنان بعنوان تفکر غالب در جنبش کمونیستی جهان، با درست کردن "پهنسست و دوزخ" و "ابلیس و فرشته"، توبه‌گانه‌ها و کلیشه‌های تنگ نظران و مطلق، هر نوع اندیشه انتقبادی سازنده، هر نوآوری خلاق و پویانده را با چماق تکمیر، سرکوب و مریوب می‌ساختند. در چار بحرانی زلزله وار شده و در تنگنا قرار گرفته است. راستی چه شده است؟ آیا در تاریخچه جنبش جهانی کاردگری و کمونیستی، اولین بار است که اندیشه‌های نوگرایانه و پویا، در مقابل با تنگ نظریهای کهنه و میرا، صف آرای می‌کنند؟ بیشک چنین نیست! اما تفاوت با گذشته در اینست که این بار، زمین لیزه انقلاب فکری، در مرکز انقلاب جهانی آغاز شده است. این بار، نفی این روند پالنده و امید بخش، باطل شمردن و تکمیر آن و آوردن آن با هزارانک و بهتان، کار مساد مای نخواهد بود.

XXXXXXXXXX

نطفه پیدایی جنبش توده‌ایهای مبارز در صفوف حزب، در واقع پس از شکست فاجعه آمیز و هولناک آن، با تامل، بازنگری و انتقادی بسی-رحمانه نسبت به هر آنچه که حزب را به چنین سلسله کشانده بود، شکل گرفت. نیروهای سادق و انقلابی حزب، خواهان ریشه یابی پیچیده و دلایل شکست، بیان صریح و روشن آنچه که بر ما رفته بود و درین آموزی از این تجربه تلخی و فراموش نشدنی بودند. توده‌ایهای مبارز دست به دلیل ایجاد فاجعه آمیز شکست حزب و درک این موضوع که ریشه‌های این شکست، نه در اتخاذ این یا آن سیاست نادرست که در کل سیستم معیوب و پوسیده حزب نهفته است، خواهان دستیابی به حقیقت کامل و بازگویی عریان آن بودند. عطش بقیه در صفحه ۱

سازماندهی دمکراتیک حرکات اعتراضی در خارج از کشور وظیفه همه نیروهای مترقی است!

سرمايه داری نسبت به هم میهنان ما اعمال می‌شود، در نظر بگیریم و اقداماتی را که در جهت تصحیح حقوق پناهندگان و در تنگنا قرار دادن آنان و اجحاف و تهدید به اخراج، حمله به خوابگاهها و ضرب و شتم خانواده‌ها که از سوی گروههای افراطی راست و ضد خارجی در آلمان و سوئد و جاهای دیگر صورت گرفته است به آن اضافه نماییم، منظره غم انگیزی را که بسیاری از هموطنان ما با آنها دست به گریبان هستند، می‌توان مجسم نمود.

خفه کردن يك متقاضی پناهنده ایرانی در آلمان (کیومرث جوادی)، آخرین نمونه‌های بقیه در صفحه ۸

فرار از جهنم خمینی و مهاجرت عظیم سیاسی کنونی، در تاریخ ایران بیسابقه است. تعداد ایرانیان مقیم خارج از کشور، از يك تا چند میلیون برآورد می‌شود. ایرانیان مهاجر اینک در اقصی نقاط جهان پخش و پراکنده شده، با هزاران معضل معیشتی، تحصیلی، مشکلات زبان، دشواریهای ناشی از انطباق با محیط-های به کلی بیگانه، درد و الم غربت، رنج روحی فزاینده ناشی از محرومیت مراجعت به کشور و با دهنها مشکل دیندر دست به گریبانند.

برهمه این گرفتاریها، وقتی تفسیقات متعددی را که از سوی مقامات برخی کشورهای

مدارس بازگشوده شدند، اما...

تربیت نیروی انسانی متخصص و رشد و اعتلای فرهنگ جامعه ما کره خورده است، در همه زمینه‌های اصلی فعالیت خود، در چار بحران و تنگناهای اساسی است.

بخش اصلی بحران کنونی نظام آموزشی ایران، در حقیقت اداه، بحران آموزشی دهه پنجاه است که تحویل سیاستهای ارتجاعی، قرون وسطایی و واپسگرایانه رژیم حاکم بر عمق و وسعت آن افزوده است. مشخصات اصلی بحران کنونی نظام آموزشی ایران را غیر دمکراتیک بقیه در صفحه ۲

با بمدا در آمدن رنگهای مسداس در نخستین روز مهر ماه، نهمین سال تحصیلی در زمان حیات ننگین جمهوری اسلامی براری یازده میلیون نوجوان و جوان ایرانی آغاز می‌گردد. ۱۰ سال نیز مانند همه سالهای گذشته درهای مدارس در شرایطی بروی فسرزندان میهنان بازگشوده می‌شود که نظام آموزشی ایران که با زندگی اکثر خانواده‌های ایرانی، یا سرنوشت میلیون نوجوان و جوان و بسا آینده تان و ظرفیت فنی و علمی جامعه و

آتش جنگ همچنان زیانه می‌کشد!

دور تازه بحران در خلیج فارس

جمهوری اسلامی از پذیرفتن قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل اعلام کرد. مدام حسین طی مباحثه‌ای به خیرنگاران خارجی گفت که حملات عراق به این مراکز تازمانیه ایران با پیشنهاد آتش بس موافقت نکند، ادامه خواهد یافت؛ چرا که ایران از طریق صدور نفت از این مراکز، هزینه‌های جنگی خود را تأمین می‌کند و به جنگ در خشکی ادامه میدهد. طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق بقیه در صفحه ۲

روز هفتم شهریور ماه، با حمله هواپیماهای نیروی هوایی عراق به جزایر خارک، لاوان و سبیری و بمباران تأسیسات نفتی ایران، آراش نسبی به وجود آمده در اوضاع خلیج فارس، بار دیگر به هم خورد. سرفرماندهی عراق همچنین اعلام کرد که نفتکش بزرگ الوند متعلق به ایران، توسط نیروی هوایی عراق به آتش کشیده شده است. عراق دلیل از سرگیری حملات خود به مراکز نفتی و اقتصادی ایران را، خود داری

سفر پرزد و کوئیار به تهران و بغداد،

تلاشی در راه اجرای قطعنامه شورای امنیت

گفتگوهای دبیر کل با مقامات و کشور نیاید از چارچوب قطعنامه اخیر تجاوز کند و شامل تخنیر احتمالی مواد از آن باشد.

دو کوئیار پیش از سفر، پذیرش انجام این ماموریت را مشروط به توقف عملیات جنگی بین دو کشور در مدت اقامت خود در منطقه کردند. گفته بود که این امر می‌تواند نشانه توجه طرفین درگیر به خواسته‌های سازمان ملل، متحد تلقی بقیه در صفحه ۵

روز ۲۱ شهریور، خاور پرزد و کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد، در چارچوب انجام ماموریتی از جانب شورای امنیت سازمان ملل، سفر خود به دو کشور درگیر در جنگ را آغاز کرد. وی در این رابطه، ابتدا وارد تهران شد تا با سران جمهوری اسلامی درباره چگونگی اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت گفتگو کند. طبق ماموریت محوله از طرف شورای امنیت،

- بیانیه چپ‌های متحد در صفحه ۱۱
- حرمش این بود که اسرار هویدا می‌گردد! در صفحه ۱۰
- سفر اریش هونگر به آلمان فدرال، سرفصلی دیگر در مناسبات دو آلمان در صفحه ۶
- مباحثه فکری حوادث اخیر مکه در صفحه ۱۲
- جلوه‌های «صراحت» در رسانه‌های گروهی اتحاد شوروی در صفحه ۷

در صفحات دیگر

آتش جنگ همچنان...

نیز طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، تسن در ندادن جمهوری اسلامی به پیشنهاد صلح شورای امنیت را دلیل از سرگیری حملات عراق در خلیج فارس اعلام کرد.

جمهوری اسلامی، با تأیید حملات هواپیماها عراقی به جزایر سبیری و لاوان، این حملات را نقشه "مشترک آمریکا و عراق دانست. روزنامه القیس چاپ کویت از قول منابع آگاه گزارش داد که عراق پیشاپیش، مقامات آمریکایی را در جریان حمله خود به مراکز اقتصادی ایران گذاشته است. ریچارد موفی ضمن تأیید این خبر، اعلام داشت که آمریکا عراق را از دست زدن به چنین اقدامی برحذر داشته اما تلاش‌های وی در تماس با سفیر عراق در آمریکا به نتیجه‌ای نرسیده است.

مخالفان ریکان در سنای آمریکا که همچنین با اعزام کشتی‌های آمریکایی برای اسکورت نفتکش‌های کویت مخالفت داشتند، اقدام دوباره عراق به بمباران تأسیسات و کشتی‌های نفتی ایران را، تلاشی از طرف این کشور برای بیمن‌الطلبی کردن درگیری‌های خلیج فارس ارزیابی می‌کنند. طبق این ارزیابی عراق امیدوار است که از اینس درین کشورهای

رود روشی علی با جمهوری اسلامی بکشاند. بدین ترتیب اگرچه در حال حاضر احتمال درگیری مستقیم نظامی بین جمهوری اسلامی و ناوگان جنگی آمریکا در خلیج فارس بعید به نظر می‌آید، موضع غیرمطلق و لجاجت سران جمهوری اسلامی در تن در ندادن به یک آتش بر عادلانه و استفاده‌های رژیم عراق از این مسئله، بار دیگر به تشنج اوضاع در این منطقه بحرانی دامن زده است.

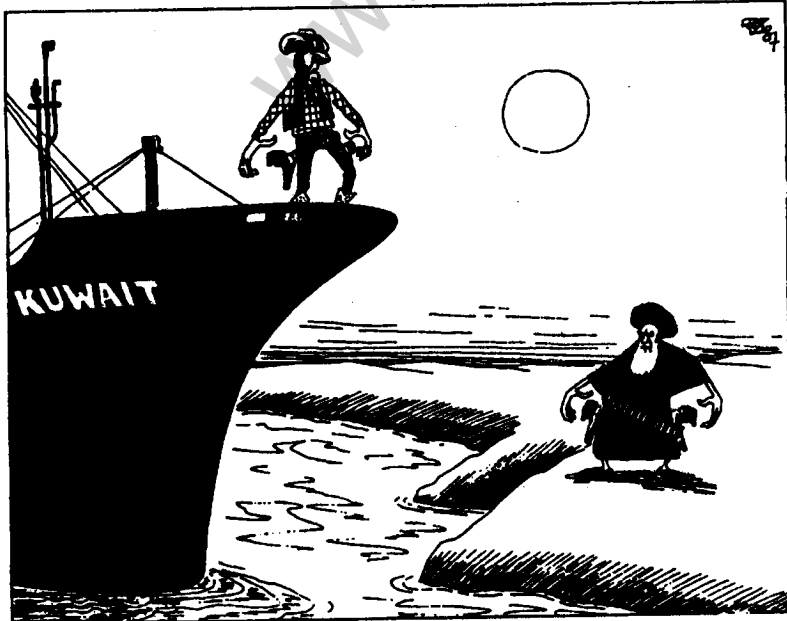
همزمان با از سرگیری حملات هوایی عراق به تأسیسات اقتصادی و نفتی ایران در خلیج فارس، بصره زیر آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار گرفت. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اعلام داشت که جمهوری اسلامی پاسخ ناپسند کننده‌ای به اقدام عراق خواهد داد. وزیر امور خارجه ایران ولایتی، طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل نوشت: "۰۰۰ ایران به مقابله به مثل دست خواهد زد و این مقابله به مثل شامل هرگونه امکانی که عراق از طریق آن تجهیز می‌شود خواهد بود. ۰۰۰ واضح است که تمهیدات بین‌المللی برای جلوگیری از آتش‌افروزی عراق کافی نبوده و عراق قصد ندارد به درخواست‌های رسمی شما از جمله درخواست ۱۲ ژوئن ۱۹۸۶ مبنی بر عدم حمله به کشتی‌ها در خلیج فارس تن در دهد."

عزیزان با گلوله باران بصره، به اعتراف خبرگزاری جمهوری اسلامی، بسیاری از شهرهای ایران، از جمله شهرهای استانهای مرکزی، خوزستان، همدان و ۰۰۰ مورد حمله هواپیماها عراقی قرار گرفتند. مقابله به مثل ایران شامل گلوله باران ۲۰ شهر عراق شد. ستاد تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی، طی اطلاعیه‌ای از ساکنان شهرهای عراق خواست که اقدام به ترک محل‌های سکونت خود کنند تا از آتش

انتقام سربازان اسلام در امان بمانند. این حملات متقابل که به ادعای هر دو طرف به قصد انهدام مراکز نظامی و صنعتی طرف مقابل صورت می‌گیرد، منجر به کشته شدن صدها نفر از شهروندان غیرنظامی عراقی و هم‌میهنان بی‌گناه ساکن شهرهای بمباران شده توسط هواپیماهای عراقی شده است. همراه با آن حملات زمینی جمهوری اسلامی با آغاز عملیات "فتح ۱۰" در جبهه‌های شمال غربی ادامه یافته است. به ادعای اطلاعیه‌های نظامی ایران، این عملیات در عقب ۸۰ کیلومتری خاک عراق، در شمال شرقی از بیل صورت گرفته است. به گزارش خبرگزاری‌ها، بدنیال تهدید ایران به "مقابله به مثل طبع هرگونه امکانی که عراق از طریق آن تجهیز می‌شود" سواحل جنوبی کویت مورد اصابت ۲ موشک دوربرد قرار گرفتند. منابع آمریکایی و کویتی تأیید کرده‌اند که سومین موشک شلیک شده به سواحل کویت از نوع "موشکهای کرم ایربیس" می‌باشد و به احتمال زیاد از جزیره "فاو شلیک شده است. علیرغم اینکه اصابت این موشک‌ها به سواحل جنوبی کویت خسارات چندانی در پی نداشته، دولت کویت یادداشت اعتراضی در این زمینه تسلیم دبیرکل سازمان ملل کرده است. این گزارشها همچنین حاکی از آنند که نفتکش‌های در حال رفت‌وآمد در آبهای خلیج فارس، به طور مداوم مورد حمله قایق‌های تندرو قرار می‌گیرند. این حمله‌ها تا کنون طبع کشتی‌های کویتی، قبرس، ژاپنی، اسپانیایی و کروی و در نقاط مختلف خلیج فارس از جمله در سواحل عربستان و آب‌های امارات متحده عربی صورت گرفته‌اند. جمهوری اسلامی تا کنون مسئولیت این حملات

را مستقیماً به عهده نگرفته است و این در حالیتی که روزنامه‌های ایران اخبار مربوط به این حمله‌ها را از قول خبرگزاری‌های جهان و عدتا به صورتیکه در صورت لزوم استفاده تبلیغاتی از آن ممکن باشد، نقل می‌کنند. به نظر می‌رسد که ارتباط ناگزیری بین تهدیدها حکام جمهوری اسلامی مبنی بر "نا امن کردن خلیج فارس برای همه، در صورت نا امن شدن آن برای جمهوری اسلامی" و حملات اخیر قایق‌های تندرو به نفتکشهای بین‌المللی وجود داشته باشد.

به هرحال اقدام اخیر عراق مبنی بر از سرگیری بمباران تأسیسات و کشتی‌های نفتی ایران همچنانکه جنگ افروزان رژیم عراق اعتراف می‌کنند، بیانگر این مسئله است که عراق تحمل نخواهد کرد که رژیم جمهوری اسلامی با صدور بی‌ملاحظه نفت خود از طریق جزایر خلیج فارس، هزینه‌های ادامه جنگ در خشکی را تأمین کند. این امر همزمان با آن همچنین تلاشی است برای دادن ابعاد بین‌المللی به درگیری‌های خلیج فارس و ایجاد امکان رود روشی علی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه ایش با رژیم جمهوری اسلامی. با حرکت از دوندته یاد شده است که حکام جمهوری اسلامی، راه حل آتش‌بس در خلیج فارس و ادامه جنگ در خشکی را تبلیغ می‌کنند. علی شدن و ادامه چنین امکانی با توجه به توقف قوای زمینی جمهوری اسلامی را قادر می‌سازد که با صدور بی‌وقفه نفت، ارز مورد نیاز ادامه جنگ کشور گشایانه در خشکی را تأمین کرده، برای تحمیل شرایط و خواسته‌های خود در هر مذاکره احتمالی آتی برای صلح، از موضع قدرت مندتری وارد شود. ●



مدارس بازگشوده شدند، اما...

بودن آن (محرورم بودن میلیونها نوجوان و جوان از راه یافتن به مدرسه)، عدم کارایی (پائین بودن کیفیت آموزشی و سطح فراگیری در واحد ها آموزشی)، کمبود ها و نارسائیهای گوناگون (کمبود جا، معلم، امکانات کمک آموزشی، کتب درسی)، عدم ارتباط زنده با پیشرفت های علمی و فنی و بازار کار، ساختار ناسالم آن (پائین بودن درصد دانش آموزان در رشته های علمی و فنی) و سرانجام محتوای ارتجاعی و ضد علمی بسیاری از کتابهای درسی تشکیل می دهند.

تأمین آموزش اجباری ۸ ساله برای همه نوجوانان کشور، طایفه پیشینی های خوشبینانه و شرایط نسبی مساعد و امکانات مادی و نیروی انسانی کافی هنوز میسر نگشته است. اکنون بیش از ۲۰ درصد نوجوانان در سطح کشور به آموزش ۵ ساله ابتدائی دسترسی ندارند. این نسبت در روستاها به ۳۵ درصد بالغ می شود. ۴۰۰ درصد مجموع نوجوانان ۱۴-۱۲ ساله بعلت مشکلات گوناگون

رشته های فنی و حرفه ای و ریاضی بترتیب از ۱۵ درصد و ۴/۵ درصد فراتر نمی رود.

افزایش برای آنها، تغییر محتوای بسیاری از کتابهای درسی، کنجاندن مطالب ضد علمی، خرافاتی و تحریف شده به قصد شستشوی مغزی جوانان و انواع تبلیغات مسموم مشابه در سطح واحد های آموزشی توسط ارگان های کنترل و سرکوب مانند امورتربیتی، انجمن اسلامی و بسیج دانش آموزی و به کارگیری هر چه بیشتر روش های کهنه و منسوخ تربیتی، در عمل محیط های آموزشی را برای دانش آموزان و معلمین غیر قابل تحمل کرده است. طایفه کمبود چشگیر کادر آموزشی، رژیم از همان نخستین ماه های انقلاب هزاران هزار معلم زحمتکش دگراندیش و مترقی را از کار اخراج کرده، در بسیاری موارد جای آنان را با کسانی پر نمود ماست که از حداقل صلاحیت علمی برخوردار نیستند.

طی سال های پس از ۱۳۵۹، مدارس همواره مرکز بزرگ سررازمی رژیم برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز جبهه به شمار می رفته اند.

● میلیونها نوجوان و جوان ایرانی در سن تحصیل، هنوز به مدرسه نمی روند! ● نظام آموزشی ایران، بیمار و بحران زده است!

عوامل رژیم با سوء استفاده از احساسات نوجوانان و بکارگیری انواع روش های تبلیغاتی، نوجوانان را به کشتار گاه های جنگ می کشانند و آنان را به کام مرگ می فرستند. در سطح آموزش عالی، تعطیل سه ساله کلاسهای درس و سیاست ضد انقلاب فرهنگی "لطعات سنگینی بر دانشگاه ها وارد آورده است. در سال ۱۳۵۹، ۱۷۵ هزار دانشجو در دانشگاه های ایران درس می خواندند. در سال ۱۳۶۲ این رقم از ۱۴۰ هزار تجاوز نمی کرد که در حال حاضر به حدود ۱۷۰ هزار تن رسیده است. در صورتی که مطابق برنامه های تنظیم شده برای تأمین نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، دانشگاه های ایران می بایست اکنون بیست و پنج تا ۲۵۰ هزار دانشجو داشته باشند.

عدم گسترش به موقع دانشگاه ها و تمرکز آموزش متوسطه در رشته های نظری، سبب شده است که هر سال بر صدها و پطیان ورود به دانشگاه های کشور افزوده گردد. در سال جاری ۶۵۰۰ هزار نفر در کنکور سراسری شرکت کردند که فقط ۹ درصد آنها می توانند به دانشگاه راه یابند.

سیاست های ضد فرهنگی رژیم بصورت تعریفه دائمی دانشگاه ها، تحقیق درباره داوطلبان ورود به دانشگاه، اعطای امتیازات ویژه به وابستگان رژیم، محرومیت دختران از تحصیل در برخی رشته های علمی، اختناق و سرکوب بی سابقه در دانشگاه و تدوین و اجرای "آئین نامه انضباطی" همچنان ادامه دارد. همچنین بخاطر کمبود امکانات و نیز "اسلامی کردن دانشگاه ها"، سطح علمی و تحقیقاتی بورژوازی در رشته های پزشکی، علوم اجتماعی، اقتصاد، هنر و... به شدت تنزل یافته است.

و بیش از همه بخاطر فقر و محرومیت و کمبود امکانات از حضور در دوره سه ساله راهنمایی که بخشی از آموزش اجباری را در بر می گیرد محرومند. بدین ترتیب بهترین موانع بر سر راه دگراندیشی و واقعی آموزش در سطح جامعه هنوز بر سر جای خود باقی است و حدود ۳ میلیون نوجوان کمتر از ۱۴ سال یا هرگز نتوانسته اند به مدرسه راه یابند و یا مجبور شده اند تحصیل خود را نیمه کاره رها سازند. بجز آنکه اقداماتی مانند انحلال کلاسهای روستائی با کمتر از ۲۵ دانش آموز و جدا کردن کلاسهای محتلط در سطح روستاها، در عمل بخشی از فرزندان خانواده های زحمتکش روستائی و بجزه دختران را از دستیابی به امکانات آموزشی محروم کرده است.

در سطح آموزش متوسطه بر انبوه مشکلات فوق مسائل جدی و جدیدی افزون می شوند. بیش از یک میلیون دانش آموز دبیرستانی فقط حدود ۳۰ درصد جوانان در گروه سنسی مربوطه (۱۸-۱۵ سال) را تشکیل می دهند و بدین ترتیب ۷۰ درصد جوانان بدون کسب کوچکترین تخصصی قدم به بازار کار می گذارند. آندسته از جوانانیکه امکان راه یابی به دبیرستان را پیدا می کنند، به نوبه خود باید با مشکلات دیگری دست و پنجه نرم کنند. ۸۵ درصد ظرفیت آموزش دوره متوسطه، اختصاص به رشته هایی دارد که هیچ تخصصی را به جوانان نمی آموزد و فقط ۱۰ درصد از دانش آموزان فارغ التحصیل در این رشته ها شانس راهیابی به دانشگاه ها را دارند. ۵۱۰ درصد دانش آموزان دبیرستانی در رشته های اقتصاد - اجتماعی و فرهنگ و ادب به تحصیل مشغولند، در حالیکه سهم دانش آموزان

طرح

در دامن صبا
به تننا

چنگ انداختم:

- میهنم را بگو
چگونه رنگی است اکنون؟

بال در هیمنه خورشید کشید که:
سیاه است و سرخ

- گلگون شفق در شب تار -
گفتم:

- چگونه باید سرود
این نقش توامان را؟

ساعسی از پرواز در کشید
ولرزه لبخند های

جوانه زد
در آسمان.

(روشا)

کلاه شرعی جدید رژیم تحت عنوان "دانشگاه آزاد اسلامی"، دو هدف اصلی را دنبال می کند: نخست جذب بخشی از جوانان پشت کنکوری و دوم جا انداختن تد ریحی آموزش عالی خصوصی در سطح کشور. دانشگاه آزاد هم اکنون حدود ۵۰ هزار دانشجو را بصورت تک درس و یا تمام وقت با شهریه سنگین پذیرفته است. در حالیکه عملاً صلاحیت و اعتبار امکانات حداقل علمی برای تربیت نیروی انسانی کارآمد برخوردار نیست.

مجموعه این سیاستها در زمینه آموزش عالی سبب گشته است که طایفه موانع و دشواری های موجود در زمینه خروج از کشور، ده ها هزار جوان ایرانی به دانشگاه های خارجی رو آورند. شمار دانشجویان ایرانی در خارج از شوروی طی دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ کاهش نیافته، همواره بین ۶۵ تا ۷۰ هزار نفر باقی مانده است. ایران از نظر تعداد دانشجو در خارج در میان همه کشورهای جهان، مقام اول را داراست.

سرانجام باید اضافه کرد که کار مبارزه با بیسوادی با وجود تبلیغات گسترده و سرو صدای فراوان در عمل به کندی پیش می رود و نهضت سواد آموزی همچون گذشته، در بند نگاه اداری و تدارکاتی به دام افتاده است. تجربه کار مبارزه با بیسوادی در سراسر جهان نشان می دهد که بدون یک بسیج مردمی برای استفاده از نیروی داوطلب بایسک برنامه ریزی حساب شده و وضییتی، تحقق این مهم مسیر نخواهد شد. مطابق آمار دولتی طی دوره ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ هر سال فقط حدود ۴۵۰ هزار نفر سواد شده اند. در حالیکه از سوی دیگر سالانه تقریباً به همین تعداد بیسواد جمعیت کشور اضافه می شود. بدین ترتیب با ادامه این روند، ۱۴/۶ میلیون بیسواد ایرانی در شمار امید بخشی برای سواد شدن ندارند. رژیم جمهوری اسلامی به سبب ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی خود، همچنانکه در همه عرصه های اجتماعی و اقتصادی، در زمینه آموزش و پرورش نیز قادر به حل مشکلات جامعه نیست. نظام آموزشی ایران، نیازمند یک دگرگونی اساسیست. بسا ادامه تسلط این حاکمیت ضد مردمی بر سرنوشت جامعه، نظام آموزشی بیمار و بحران زده ایران، بهبودی نخواهد یافت.

جنبش ما و سیاست ...

آنان برای اتخاذ سیاست صراحت و روشنی در رفتار و رفتار، از همینجا نشأت می‌گرفت.

هیئت سیاسی وقت حزب، بمثابة تشکيل بوروکراتهای کهنه کار و پرچمداران دیشه متحجر و کهنه، خیلی زود با سلاح رنگ زده دروغ، تزوير و بهتان، به جنگ شیوه تفکر نوآ آمد. آنان خیلی زود دریافته‌اند که با نفی دکم‌های گذشته، با فاصله گرفتن از تفکر خشک و مذهبی وارسلط در حزب و با شکستن بیت‌های دیروز توسط توده‌های حزبی، دیگر جایی برای افسوسهای پوچ و بندبازیهایی پهلوان پنبه‌های مهاجرت ابدی، باقی نمی‌ماند.

و چه تاسف‌انگیز بود، که درست به موازات شکل‌گیری روشن‌تر و آغاز تهاجم اندیشه‌های نوکرایانه علیه سیستم فکری کهنه و سلطه در جنبش جهانی کمونیستی، برگ دیگری بر پرده قطور شیوه‌های حزمداری برپا - باقرافی، آنهم بسه مبتذل‌ترین و مضحک‌ترین شکل، آن، افسزوده می‌شد.

تشبیهات هیئت سیاسی وقت، برای حصار کشیدن به دور اندیشه‌های نوین در حال رشد در صفوف حزب، راه به جایی نمی‌برد. مگر می‌توان جلوی گسترش اندیشه‌های را که در وانش فرارسیده گرفت؟

جنبش توده‌ایهای مبارز، در روند دشوار و بغرنج نضج و شکل‌گیری خود، ایجاد یک تحول فکری و اتخاذ یک مدل و لوزی نوین برای تحلیل مستقل پدیده‌ها، بدون پیش‌داورنیا و غرض‌ورزیها، دستیابی به حقیقت و بیان صریح و بی‌پرده آن، بدون واژه و عاری از ملاحظه - کاربها و مصلحت‌جویی‌ها را سرلوحه کار خود قرار داد. توده‌ایهای مبارز کوشیدند تا شعار صراحت و شفافیت در رفتار و رفتار را از همان هنگام بر پرچم مبارزاتی خود نقش کنند.

اما به کف آوردن چنین سلاح معنوی نمی‌توانست کار ساده‌ای باشد. توده‌ایهای مبارز طی بخشهای مستمر، با کوششی خستگی‌ناپذیر، به ریشه‌یابی غل تشکست حزب، شناسایی مکانیسم مناسبات درونی و بیرونی و در یک کلام، پیکاووی کل سیستم معیوب و پوسیده آن دست‌یازیدند. آنان ذهن خویش را در کوی کوهی از پرسش‌های دشوار و سرسام‌آور نمودند: آیا شکست حزب، ریشه در انحرافات فکری و روابط ناسالم در دوره معینی دارد یا

معلول کل سیستم کهنه حاکم بر آن است؟ چرا در قاموس احزابی چون حزب توده ایران، هیچگاه رهبران به استنباطات خویش اعتراف نمی‌کنند و به دلیل اشتباهات از مسئولیت‌کنار گذاشته نمی‌شوند؟ چرا در مقیاس جهانی، رهبران احزاب کمونیست، همیشه به دلیل "کیرسن" و "نسه به علت اشتباهات" بازنشسته می‌شوند؟ این کدام سیستم فکری و مدل و لوزی برخورد به مسایل است که از رهبران جنبشهای انقلابی چون تیتو و ماو - صرفنظر از خدمات و اشتباهات آنها - یکشبه "مارشال‌خائنین" و "شونیست‌ضمد - کمونیست" می‌سازد؟ چرا روابط کهنه و منحط

کمینترنی هنوز در مناسبات میان احزاب کمونیست به چشم می‌خورد؟ چرا هر کوشش سازنده برای دست‌زدن به آزمایش مستقل، انتخاب راه مستقل - حتی در ساختمان سوسیالیسم - با قهر و ارباب‌پروری می‌گردد؟ چرا در قبال شیوه‌های نفرت‌انگیز به قدرت رسیدن حفیظ‌الله امین‌ها در احزاب کمونیست و بلایی که سپس توسط جانشین‌ها بر سر آنها می‌آید، از طرف سالیس احزاب کمونیست و کارگری سکوت‌خائفانه و تایید آمیز اختیار می‌شود؟ چرا نمی‌توان و نباید، در عین اعتقاد به همبستگی واقعی بین‌المللی میان احزاب کمونیست و ضمن احترام به تفکرات مختلف در جنبش کارگری، حق انتقاد از اشتباهات دیگران را برای خود محفوظ داشت؟ و صدها و هزارها چری دیگر از این دست ...

جنبش توده‌ایهای مبارز در کنکاش پرسوسا خود، به نتایج روشنی می‌رسید: برای اجتناب از تکرار اشتباهات، برای درس‌آموزی واقعی از خطاها و تجربیات خود و دیگران و برای فاصله گرفتن از شیوه‌های کهنه و منحط برخورد به مسایل و پدیده‌ها، راهی جز یک تحول بنیادی فکری و یک نوگرایی رادیکال در بینش‌ما وجود ندارد. تنها راه رسیدن به چنین هدفی نیز لزوم صراحت و شفافیت در رفتار و رفتار است. توده‌ایهای مبارز با چنین نتیجه‌گیری، در سیر تکاملی خود هر روز گامی به پیش‌آمدند و این فرایند در میان آنها همچنان ادامه دارد.

طلیعه موج نیرومند شیوه تفکر نوین در حزب کمونیست اتحاد شوروی و بازتاب قانونمند آن در حیات بسیاری از دیگر احزاب کمونیست، اعلام سیاست صراحت و شفافیت (کلاس‌نوشت)، پسرای انجام درگرونیهای ژرف و همه‌جانبه اجتماعی (پروسترویکا)، از جمله با استقبال توده‌های مبارز روبرو گشت. چرا که آنان تحولات نوکرایانه و شیوه نگرش نوین به مسایل داخلی و جهانی در اتحاد شوروی و برخی دیگر کشورهای سوسیالیستی را، در همپیوندی نزدیک و قانونمندانه با آن پیگیری بازشناختند که خود از مدت‌ها پیش، در سطح تشکیلات حزب توده ایران و بعد‌ها در خارج از آن، آغاز کرده بودند. بدینسان روند مبارزاتی آنان برای پالایش خطاهای گذشته توسط انتقاد از خود صریح و بی‌پرده و اتخاذ مدل و لوزی نوینی برای نگرش به مسایل، بطور عینی با روند مشابهی در سطح احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی، در هم پیوست.

دیگر توجهات اپورتونیستهای حرفه‌ای مبنی بر اینکه "حزب به خطای خود اعتراف نمی‌کند، بلکه با اتخاذ سیاست تازه، سیاست گذشته و نادرت خود را نفی می‌کند" آب در هاون کوبیدن بود. حنای این موعظه‌های اپورتونیستی، جایی که رفیق گورباچف در کنفرانس ۱۷ حزب کمونیست و پلنوم پس از آن با شجاعتی مثال‌زدنی بر خطاهای گذشته حزب انگشت گذاشت، تهی‌کردن مارکسیسم-لنینیسم از مضمون انقلابی را به باد انتقاد و استهزا گرفت و تئوری - های سوسیالیسم علمی را در رجا زده در سطح دهه ۳۰ خواند، دیگر رنگی نداشت.

اما بوروکراتهای کهنه کار از تک و تاپ نمی‌افتادند. آنان پس از سکوتی پر معنی، امروزه با رست حمایت از تحولات نوکرایانه در اتحاد شوروی، در واقع می‌کوشند، این تحولات را از مضمون واقعی تهی کرده و آنها را آنطور که خود می‌خواهند، جلوه دهند. اگر سیاست "کلاس‌نوشت و پروسترویکا" سال گذشته در مکرسی از طریق شرکت دادن توده‌های مردم در همه امور را سرلوحه کار خود قرار داده است، اگر این سیاست خواهان جلب دوازه اعتقاد مردم بعنوان پشتوانه نیرومند انجام دادن درگرونیسازی اجتماعی و تنها وثیقه برگشت‌ناپذیر کردن روند‌های آغاز شده است و اگر این سیاست خواستار پایان دادن همیشگی به اختلاف‌فرازنده میان دنیای واقعیات روزمره و رفاه‌ناپیشی "در سوسیالیسم است" به زعم حضراتی چون رهبران حزب توده ایران، موضوع فقط و فقط، ادامه‌پذیرانه سیاست - البته همیشه درست - گذشته، آنهم بی‌سرای "سوسیالیسم بیشتر" است.

سیاست صراحت و شفافیت، همچنانکه در سطح جنبش جهانی کمونیستی، در میان جنبش انقلابی ایران نیز با موانع زیادی روبروست. علاوه بر محافظه کاران جزم‌اندیش و بوروکراتهای کهنه پرست چون رهبران حزب توده ایران که دشمنان سوگند خورده چنین سیاستی می‌باشند - چرا که در زرفش روند آغاز شده، ناقوس مرگ قطعی خود را می‌شنوند و بهین دلیل عامداو عالماً در جهت تحریف و میان‌تهی کردن مضمون چنین فرایندی می‌کوشند - هستند نیروهایی در سطح جنبش کارگری - کمونیستی ایران و جهان که نتوانسته‌اند بر ذهنیات خود در این رابطه غلبه کنند و هنوز با "مغزهای گذشته" بسه رویدادهای جاری می‌اندیشند. این نیروها که در صداقت آنها نباید تردید داشت، بینش نوین را نوعی تجدید نظر در اصول مارکسیسم و عدول از تئوری انقلابی ارزیابی کرده، بسا گنج‌نیدن مسایل در کلیشه‌های تنگ و کهنه، اقدامات مربوط به درگرونیسازی در حیات اجتماعی کشورهای سوسیالیستی را نوعی کرنش در قبال تعرض وسیع امپریالیسم و عقب‌نشینی در مقابل "تغیلات خرده‌بورژوازی" مردم کشورهای سوسیالیستی می‌پندارند!

مثال بارز این شیوه برخورد به روند‌های جاری در میان احزاب کمونیست را می‌توان در ارزیابی نیروهای چپ ایران از کنفرانس ششم حزب کمونیست ویتنام دید. هنگامی که توده‌ایهای مبارز در ارزیابی خود از این کنفرانس، پیروزی هواداران تحولات در حزب کمونیست ویتنام را پیشروی و چیرگی اندیشه‌های نوکرایانه و مثبت و سودمند به حال جامعه معرفی کردند، با انتقاد و نکوهش بسیاری روبرو شدند. کسانی حتی در تذکرات شفاهی خود، ما را به طرف‌سنداری از نظرات "رفرمیستهای راستگرا" در حزب کمونیست ویتنام متهم کردند. آنان کله می‌کردند که ما به همزمان هوشی مین پشت‌کردیم. شیوه تفکر سنتی و برخورد کلیشه‌ای همیشگی، مانع از آن بود که این نیروها، عقب و ضرورت تحولات یاد -

سفر پرزد و کوئینار به تهران و ...

شود. «علیرغم آن، به ادعای مقامات عراقی، طی آخرین شب اقامت دبیرکل در عراق، بمصره مورد اصابت ۱۷ راکت و ورود ایرانی قرار گرفته است.»

خاورپرز و کوئینار پیش از ورود به تهران طی مصاحبه‌ای در پاریس اعلام کرد که نسبت به نتایج سفر خود خوشبینی یا بدبینی خاصی نداشته، دست‌آوردی واقع‌بینانه از آن انتظار دارد. «سران جمهوری اسلامی تاکنون از قبول یا رد کامل قطع‌نامه، شورای امنیت خودداری کرده‌اند و به لزوم تأکید بر تجاوز بودن رژیم صدام به عنوان پیش‌شرط پذیرش هرگونه پیشنهاد کاپی می‌فشارند. این موضع، طبعی مذاکرات د کوئینار با خامنه‌ای، رفسنجانی و موسوی باردیگر تکرار شد. به گفته رادیو صدای جمهوری اسلامی، خامنه‌ای در دیدار با دبیرکل سازمان ملل ضمن تأکید بر این اصل گفته است: "تنها فرمول قابل پذیرش از طرف ملت ایران، راه حل نیست که تنبیه تجاوز را پیش‌بینی کند." موسوی نخست‌وزیر پس از دیدار با د کوئینار ضمن گفتگویی بسیار خبرگزاری جمهوری اسلامی از "موضع مثبت" وی در مورد "لزوم شناسایی طرف متجاوز" تشکر کرد. «مشاهده» نشان‌های مثبت در مواضع شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل از طرف مسئولین جمهوری اسلامی ایران نمونه‌های دیگری نیز دارد. رجایی خراسانی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد، ده روز پیش از سفر دبیرکل سازمان به ایران طی یک کنفرانس مطبوعاتی، اعلام نظر قاطع از جانب ایران درباره قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت را فاقد هرگونه نفعی برای رژیم جمهوری اسلامی دانست؛ چراکه به گفته وی، "شورای امنیت به دبیرکل مجوز داده است که در مورد قطع‌نامه دست‌نشان‌باز باشد." رجایی خراسانی اضافه کرد: "شورای امنیت سعی دارد مکانیسمی برای خود درست کند که خواست اصلی ما را تأمین کند. اگر دبیرکل بتواند از امکانات خود استفاده کرده متجاوز را معرفی کند، خیلی از کارها درست می‌شود؛ البته تعیین متجاوز به هیچ عنوان وضع ما را از نظر سیاسی و نظامی روشن نمی‌کند و آنها باید مسائل بعدی را در مورد متجاوز انجام دهند."

د کوئینار پس از گفتگو با سران جمهوری اسلامی وارد بغداد شد تا با مقامات عراقی در چارچوب مأموریت خود گفتگو کند. به گزارش خبرگزاری‌ها، طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق طی مذاکرات خود با دبیرکل سازمان ملل از وی و شورای امنیت خواسته است که مجازات‌هایی علیه ایران در نظر گیرند. به ادعای طارق عزیز، جمهوری اسلامی باید به جرم بی‌توجهی به قطع‌نامه، شورای امنیت مورد تنبیه قرار گیرد. در این دیدار طارق عزیز باردیگر آمادگی عراق را برای پذیرش آتش‌بس پیشنهادی شورای امنیت، در صورت پذیرش آن از جانب ایران، اعلام کرده مأموریت دبیرکل سازمان ملل در رد و کشور، پس از مذاکره

با مقامات عراقی پایان یافت. وی به هنگام بازگشت، اعلام داشت که گفتگوهای جامعی پیرامون قطع‌نامه، اخیر شورای امنیت سازمان ملل با سران دو کشور به عمل آورده است. همزمان با آن طبق گزارش‌های رسمی سر فرماندهی ارتش عراق، این کشور حمله به تأسیسات و کشتی‌های نفتی ایران در خلیج فارس را از سر گرفت. سران رژیم جمهوری اسلامی همراه با تأکید این گزارش‌ها، اعلام داشتند که ایران، از روز پنجشنبه ۲۶ شهریور، مانور دریایی دیگری را در آب‌های دریای عمان آغاز خواهد کرد تا آمادگی خود را برای مقابله با خطر حاصل از حضور کشتی‌های دول غربی، نشان دهد.

پرز و کوئینار پس از بازگشت به نیویورک، شورای امنیت سازمان ملل متحد را در جریان نتایج سفر خود قرار داد. خبرگزاری‌ها در گزارش‌های اولیه، خود، اعلام کردند که ظاهراً سفر دبیرکل سازمان ملل نتیجه جدیدی در بر نداشت است. طبق این گزارش‌ها، بر اساس گفتگوهای د کوئینار با شورای امنیت در رابطه با گزارش سفر خود به دو کشور، آمریکا باردیگر لزوم تحریم تسلیحاتی ایران را مطرح ساخته که با مخالفت اتحاد شوروی روبرو شده است.

گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت که روز شنبه ۱۹ سپتامبر از طرف آسوشیت پرسی منتشر شد، حاکی از آنست که هم ایران و هم عراق، با قطع‌نامه شورای امنیت اساساً موافقت اما دو کشور درباره چگونگی انجام و اجزای آتش‌بس پیشنهادی نظریات کاملاً متفاوتی دارند. پرز و کوئینار طی مصاحبه‌ای در نیویورک گفت که مقامات ایرانی اعلام کرده‌اند که به محض اعلام رسمی متجاوز، یک آتش‌بس غیر رسمی اعلام نشده می‌تواند جایگزین "آتش‌بس اعلام شده رسمی" مورد پیشنهاد شورای امنیت گردد. به نظر می‌رسد که "آتش‌بس غیر رسمی اعلام نشده" بعضی اعلام متجاوز، مترادف با فرمولیندی "رکود در جبهه‌ها در وضعیت فعلی" باشد که هاشمی رفسنجانی در مصاحبه ۲۰ اوت خود با روزنامه تهران تایمز آن را مطرح کرده بود. وی در این مصاحبه اعلام کرد که در صورت اعلام عراق بعنوان متجاوز از طرف شورای امنیت و تعیین چگونگی برخورد با متجاوز از طرف یک دادگاه اسلامی، بین المللی یا منطقه‌ای، رژیم جمهوری اسلامی با توقف جنگ و رکود در جبهه‌ها موافق است. به گفته رفسنجانی در آن صورت، ایران قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت را خواهد پذیرفت و مسئله عقب نشینی نیروها به مرزهای بین المللی پس از رای نهایی دادگاه صورت خواهد گرفت.

پس از انتشار مفاد گزارش دبیرکل سازمان ملل از طرف آسوشیت پرسی، خبرگزاری‌ها از قول "منابع دیپلماتیک" کویت گزارش دادند که بر طبق اخباری که از واشنگتن رسیده است، رژیم جمهوری اسلامی انعطاف معینی در رابطه با چگونگی اجرای آتش‌بس از خود نشان داده است. طبق این اخبار، سران جمهوری اسلامی به دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد کرده‌اند که ایران حاضر است یک آتش‌بس در مرحله‌ای را بپذیرد:

* در مرحله اول، علیات جنگی از طرف هر دو کشور بدون هرگونه توافق رسمی اعلام شده متوقف شوند تا یک کمیسیون بی طرف بین المللی در رابطه با مسئولیت شروع جنگ تصمیم بگیرد.

* در مرحله دوم، پس از اعلام نتیجه بررسی این هیئت بی طرف، آتش‌بس رسمی اعلام شود.

منابع مذکور نتیجه می‌گیرند که بدین ترتیب ایران از شرط اساسی خود یعنی "محکوم و مجازات کردن عراق به عنوان متجاوز پیش از هرگونه توافق"، صرف‌نظر کرده است. در همین حال رادیوی صدای جمهوری اسلامی به نقل از وزارت امور خارجه رژیم، اعلام داشت که جمهوری اسلامی تخفیری در شرایط خود نداده است. عراق باید بعنوان متجاوز محکوم و از طرف مجامع بین المللی مطابق موازین حقوقی معمول مجازات شود.

همزمان با آن، روزنامه "الخلیج" چاپ امارات متحده عربی متن کامل گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت را انتشار داده است. طبق اخبار منتشر شده از سوی خبرگزاری‌ها، در این گزارش که شامل ۱۶ بخش است، دبیرکل سازمان ملل اعلام می‌کند که "هر دو طرف درگیر در جنگ در مسواری از مواضع تاکنونی خود صرف‌نظر کرده‌اند که این امر می‌تواند امکان یک توافق احتمالی را ایجاد کند. در حالیکه مقامات ایرانی حاضرند قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت را بدین حال توقف علیات جنگی بعنوان مرحله اول آتش‌بس در مرحله‌ای بپذیرند، مقامات عراقی ضمن اعلام موافقت با بررسی ظل آغاز جنگ از سوی یک هیئت بین المللی، حاضر به پذیرش یک آتش‌بس غیر رسمی و اعلام نشده نیستند."

بدین ترتیب، اگر چه در اخبار رسمی منتشر شده از طرف دستگاه‌های خبری جمهوری اسلامی در رابطه با مذاکرات سران رژیم با دبیرکل سازمان ملل، تا کنون اشاره‌ای به آتش‌بس در مرحله‌ای و حتی کلیات پیشنهادات تازه ایران نشده است، به نظر می‌رسد که واقعیت غیر از آن باشد که صدای جمهوری اسلامی به نقل از سخنگوی وزارت امور خارجه نقل می‌کند. اخباری که خبرگزاری‌ها از قول دبیرکل سازمان ملل و گزارش او به شورای امنیت منتشر می‌کنند، ظییرغم ادعای وزارت امور خارجه ایران، بیانگر تخفیرات جدیدی در موضع رسمی رژیم جمهوری اسلامی است.

اینکه موافقت سران جمهوری اسلامی با یک آتش‌بس غیر رسمی اعلام نشده، پیش از تعیین و معرفی متجاوز (طبق ادعای خبرگزاری‌ها، به نقل از دبیرکل سازمان ملل)، چه افسق تازماری را در چشم انداز پایان جنگ خواهد گشود و اینکه اظهارات خوشبینانه موسوی پس از دیدار با د کوئینار و ادعای رجایی خراسانی مبنی بر "قصد شورای امنیت برای تأمین خواست اصلی رژیم تا چه حد واقعیت دارند، مسئله‌ای است که اقدامات آتی شورای امنیت روشنگر آن خواهد بود. ●

سفر ارایش هونکر به آلمان فدرال، سرفصلی دیگر در مناسبات دو آلمان

دو هفته پیش از آغاز سفر ارایش هونکر، صدر شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان و دبیر کل حزب سوسیالیست متحده، این کشور به جمهوری فدرال آلمان، اسکارلا فونتنن یکسی از شخصیت‌های چپ حزب سوسیال دموکرات آلمان فدرال، طی مقاله‌ای در هفته‌نامه "اشپگل" نوشت: "سودمند است اگر در نظریه داشته باشیم که در زمینه روابط اقتصادی و امنیت مشترک، ارایش هونکر سیاستمداریست که با اطمینان و اعتماد می‌تواند با او مذاکره کرد. تحت رهبری او، جمهوری دموکراتیک آلمان در مقیاس بین‌المللی به یک قدرت مستحکم تبدیل شده است."

اما از یک کمونیست آلمانی همچون ارایش هونکر، نمی‌توان انتظاراتی داشت که به توجیه اعتقادات ایدئولوژیک و تجربیات زندگی، برآورده شدنی نباشد. برای گفتگو و مذاکره با هونکر، نمی‌تواند او را به عنوان یک کمونیست به دیده احترام نگریست. با توجه به روند زندگی وی، جوانی پرتلاطم مبارز و مقاومت‌ش در برابر فاشیسم هیتلری، ادای چنین احترامی در حق او، می‌باید حتی از طرف مخالفان مسلم کمونیسم نیز ممکن باشد.

اشاره به واقعیت‌ها بی‌اینچنین در باره جمهوری دموکراتیک آلمان و رهبران آن، حتی از طرف شخصیت‌های واقع‌بین سوسیال دموکرات آلمان فدرال همچون اسکارلا فونتنن، سابقه چندانی در زمینه‌های در این کشور ندارد. نفی موجودیت مستقل جمهوری دموکراتیک آلمان، انکار نقش حیاتی این کشور در حفظ صلح و امنیت در اروپا و انکار دست‌آورد‌های اجتماعی سوسیالیسم با دست‌آویز قرار دادن نارسائی‌ها و کمبودهای موجود در این کشور، سالیان سال مضمون اصلی کارزار تبلیغاتی محافل بورژوازی آلمان فدرال، علیه کشور همسایه بوده است؛ کارزار تبلیغاتی‌ئی که غیرممکن گشته شدن از دامنه آن در نتیجه موفقیت‌های جمهوری دموکراتیک آلمان در عرصه بین‌المللی و مسائل داخلی، امروز نیز به گونه‌ای دیگر ادامه دارد. سی و هشت سال پس از تشکیل دو دولت مستقل با دو نظام متفاوت اجتماعی - اقتصادی پیرامون‌های باقی مانده از رایش سوم در خاک آلمان و پانزده سال پس از آغاز نخستین تلاش‌های جدی برای عادی‌سازی مناسبات دو کشور، اینک برای نخستین بار عالی‌ترین شخصیت رهبری جمهوری

دموکراتیک آلمان به عنوان میهمان رسمی به خاک آلمان فدرال می‌گذارد. اینک حتی راست‌ترین محافل بورژوازی این کشور - مخالفان مسلم کمونیسم - واقعیت‌هایی را که لافونتنن به آنها اشاره می‌کند، مد نظر دارند. طی سفر اخیر، آنان از هونکر، رهبر کمونیستی که خود طی دهه‌های متوالی جنگ سرد کین توزانه‌ای علیه آن به راه انداخته، رهبری کرده‌اند، استقبال گرمی به عمل آوردند و با او به عنوان رهبر کشور سوسیالیستی همسایه که دست‌آورد‌های اجتماعی و اقتصادی آن انکارناپذیرند، به گفتگو نشستند. این مسئله در درجه اول، نشانه گردن نهادن محافل بورژوازی آلمان فدرال به یک واقعیت تاریخی و اعتراف علی‌آنان به موفقیت‌های جمهوری دموکراتیک آلمان در عرصه‌های فنی و اقتصادی است؛ موفقیتی که دموکراتیزه کردن حیات اجتماع و گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی در این کشور می‌تواند مضمون و مکمل آن باشد. جمهوری دموکراتیک آلمان در این زمینه، بویژه با توجه به موقعیت سیاسی و جغرافیایی خود کمبودهای قابل توجهی دارد.

روز هفتم ماه سپتامبر سال جاری مسیحی، ارایش هونکر صدر شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان به همراه هیئتی متشکل از شخصیت‌های سیاسی و مقامات اقتصادی این کشور بمباری یک‌دردار رسمی وارد بن پایتخت جمهوری فدرال آلمان شد.

این سفر با توجه به موقعیت جغرافیایی و سیاسی و تاریخی مناسبات دو کشور، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. ارایش هونکر نخستین رهبر جمهوری دموکراتیک آلمان است که از کشور همسایه دیدار کرد. از این جهت، دیدار هونکر از آلمان فدرال را می‌توان نقطه عطفی در روابط فی‌مابین دو کشور به حساب آورد. دو کشور، از بسد و تشدید تا کنون هیچگاه مناسبات رسمی سیاسی نداشته‌اند. پس از تشکیل دو دولت به دنبال پایان جنگ دوم جهانی و تسلیم فاشیسم در آلمان، محافل بورژوازی حاکم در جمهوری فدرال آلمان، "نزوم اتحاد" دوباره خلق آلمان را به عنوان یک اصل در قانون اساسی این کشور گنجانده و وجود کشور مستقل سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک آلمان را به رسمیت شناختند. علی‌رغم آن، کوشش‌های جمهوری دموکراتیک آلمان و محافل واقع‌بین در جمهوری فدرال آلمان، منجر به آغاز روند عادی‌سازی روابط و ایجاد مناسبات در اوازل دهه ۸۰ شد. در سال ۱۹۷۰، ویلی برانت شخصیت برجسته سوسیال دموکرات آلمان فدرال، در مقال صدر اعظمی این کشور به جمهوری دموکراتیک آلمان سفر کرد و دو سال پس از آن، بین دو کشور قرار دادی

اساسی سخنان هلموت کهل در رضیافت شام به افتخار هونکر اشاره، به محدودیت‌های هائی تشکیل می‌داد که جمهوری دموکراتیک آلمان برای شهروندان خود در زمینه سفر به آلمان فدرال قائل است. او اظهار امیدواری کرد که تسهیلات به عمل آمده در سال‌های اخیر در این زمینه، همچنان ادامه یابد و بیش از پیش شامل حال شهروندان زیر سن باز نشستگی و جوانان جمهوری دموکراتیک آلمان گردد. ارایش هونکر در سخنرانی خود، به طور مفصّل مسئله صلح در اروپا و جهان و نقش مهمم دو کشور در این زمینه را مورد تأکید قرار داد. او اظهار داشت که امروز، طبرغم تضادها میان جهان بینی، ایدئولوژی و اهداف سیاسی، امری محترم از دفاع از صلح وجود ندارد و تأکید نمود که جهان در برابر نقطه عطف است که از رهبران سیاسی، طرز تفکر و عملکرد جدیدی را می‌طلبد. هردو طرف تأکید کردند که برداشت‌های مختلف در زمینه اساسی‌ترین مسائل و تضاد آشتی‌ناپذیر سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم بر دو کشور نباید مانع توسعه مناسبات فی‌مابین گردد.

نتایج گفتگوهای هیئت‌های نمایندگی دو کشور در برن، منجر به صدور بیانیه مشترکی شد. طبق مفاد این بیانیه سه قرارداد جدید در رابطه با مسائل دفاع از محیط زیست، تبادل اطلاعات در زمینه اقدامات ایمنی در برابر تشعشعات اتمی و همکاری‌های علمی و فنی بین دو کشور به امضا رسیده است.

سفر هونکر و هیئت همراه وی، با بازدید از چهار ایالت جمهوری فدرال آلمان ادامه یقین در صفحه ۷

در رابطه با مناسبات دو جانبه به امضا رسید. از آن پس، به رغم عدم مناسبات رسمی دیپلماتیک بین دو کشور، روابط اقتصادی و فرهنگی همواره سیر صعودی داشته است. علاوه بر آن، حزب سوسیالیست متحده جمهوری دموکراتیک آلمان، مناسبات ویژه و روزافزونی با حزب سوسیال دموکرات شور همسایه دارد. هر دو حزب ریشه در جنبش کارگری آلمان دارند.

سفر اخیر ارایش هونکر به آلمان فدرال در پاسخ به دعوتی صورت گرفت که هلموت اشمیت صدر اعظم سابق این کشور (از حزب سوسیال دموکرات) طی دیدار خود از جمهوری دموکراتیک آلمان در سال ۱۹۸۱ به عمل آورد. هلموت کهل صدر اعظم فعلی آلمان فدرال (از حزب دموکرات مسیحی) آنرا تجدید کرده بود. در طول ۶ سال گذشته، برنامه انجام این سفر چندین بار از جانب جمهوری دموکراتیک آلمان به تعویق افتاد، چرا که مناسبات دو کشور گذشته از مسائل موجود فی‌مابین، بالطبع همواره تحت تاثیر اوضاع بین‌المللی و تعهدات دو کشور در برابر هم‌پیمانان اقتصادی و نظامی خود نیز بوده است. بدین ترتیب سفر هونکر به آلمان فدرال ۱ سال پس از پذیرش دعوت از طرف وی و تحت شرایطی انجام گرفت که توجه علی به استقلال هر یک از کشورهای هم‌پیمان در بین کشورهای سوسیالیستی، یکی از مشخصه‌های متفاوت گذشته در آن است.

نخستین دور مذاکرات هونکر و هیئت همراه وی در برن با هلموت کهل صدر اعظم آلمان و دیگر مقامات این کشور صورت گرفت. محور

جلوه‌های "صراحت" در رسانه‌های گروهی اتحاد شوروی

هر روز شاهد بازتاب گسترده‌تری از سیاست صراحت و شفافیت (گلاس-سوسست) در رسانه‌های گروهی اتحاد شوروی هستیم. اخیراً "الکساندر بوین" مفسر سیاسی روزنامه "ایزوستیا"، طی مقاله جالبی در این نشریه (۱۱ ژوئیه ۱۹۸۷) جلوه تازه‌ای از شیوه نگارش نوین و برخورد صریح انتقادی نسبت به مسائل گرهی را به نمایش گذاشته است. در زیر ترجمه خلاصه شده این مقاله را از نظر خوانندگان پژواک می‌گذرانیم:

بیان "هزل تاریخ" از فردریک انگلس است. گوئی تاریخ، تلاش‌آواره کردن آگاهانه جریان تاریخی را مورد استهزا و تمسخر قرار می‌دهد. کسانی انقلاب می‌کنند و بنظر خودشان، با اراده و عقل خود جریان تاریخ را تغییر می‌دهند. ناگهان با تعجب در می‌یابند، آنچه درست شده با آنچه که نیت بوده، کاملاً فرق دارد. ما مدتی طولانی با پرده‌عائی تصور می‌کردیم که اندیشه "ف. انگلس" به انقلاب‌های پرولتاریائی و به احزاب کمونیست ارتباطی ندارد. اکنون می‌بینیم که اشتباه می‌کرده‌ایم...

خواستهای اساسی تفکر جدید عبارت است از: رئالیسم بیرحمانه، آنتی دکمانیسم، گوشدگی برای هر چیز نو و غیر منتظره، بیساکتی، پیگیری هم در طرح مسائل و هم در نتیجه‌گیری استدلال جدی، گرایش نه به اعتقاد بلکه به دانش و تجربه، انتقاد از خود همیشگی و آمادگی بازبینی نظریات خود، اگر مغایر زندگی باشد. این خواستها امکان می‌دهند که در بسیاری از موارد، به تاریخ و تئوری سوسیالیسم و به جریان و تجربه ساختن سوسیالیسم در اتحاد شوروی، از دیدگاه تازه‌ای نگریست. تاریخ واقعی سوسیالیسم، چون روند تصادم میان حقایق و گمراهی‌ها، در برابر ما قد علم می‌کند. این تاریخ پر از چرخش‌های غیر منتظره‌ای است که به گفته "لنین" هیچ مارکسی و هیچ مارکسیستی نمی‌توانند آنها را پیش‌بینی کنند...

آیا مدل سوسیالیسمی که ما ساختیم، حتی اگر تمام شرایط تاریخی را هم در نظر گرفتیم، یگانه مدل ممکن بود؟ متأسفانه دانش شوروی، علاوه بر این مسئله را مورد پژوهش قرار نداده است. فقط میتوان تصور کرد که مطالعه بحث‌های حزبی پایان سال ۲۰، اجازه خواهند داد که آلترناتیوهای دیگری را هم مشخص ساخت. هر چند... فشار عوامل عینی و ذهنی برای عسلی ساختن هر شق جایگزین، محل کمیسی باقی گذاشته بود.

ولی بهر حال وظیفه عمده اقتصادی سوسیالیسم، یعنی جلوگیری از سرمایه داری از لحاظ سطح بازده کار و تولید سرانه نسبت به جمعیت، انجام نگردد و جامعه‌ای کسه از لحاظ تمام مشخصات، بتواند سرمشق و نمونه برای تقلید و انگیزه در مبارزه بخاطر دگرگونسازی سوسیالیستی جهان گردد، ایجاد نشد.

کنگره بیستم به معنی مز اصولی در تاریخ سوسیالیسم بود. نقش شخصیت استالین بی اعتبار گردید... راه به تغییرات و قبل از هم...

تغییرات در ساختار سیاسی باز شد. تقبیح خود سرهای مربوط به نقش شخصیت و احیای قانونیت، وضع را در کشور و حزب، بطور اساسی سالم کرد. ولی با وجود همه اینها، غلبه بر اینرسی کهن، میسر نگردد و اصول لنینیستی حزبی و دولت‌داری زندگی، تا به پایان احیا نشد.

در مرز سالهای ۵۰ و ۶۰ ما دوباره خود را به تدابیر نیمه کاره محدود ساختیم و نتوانستیم مقاومت اینرسی انباشته شده و عادات و ترتیبات گذشته را که گروه‌های اجتماعی قابل ملاحظه‌ای پشت سر آن ایستاده بودند، درهم شکنیم.

تمام اینها گویای آن بود که سیستم مدیریتی که در سالهای ۵۰ - ۳۰ ایجاد شده بود، امکانات خود را به پایان رسانیده است. اما حفظ آن، منجر به تنزل اقتصادی شده، جامعه ما را علاوه بر بحران قرار داده است که اعتبار و نفوذ اتحاد شوروی را در محسنه بین‌المللی نیز سست می‌گرداند. همزمان باید اعتراف کرد که امکانات سرمایه داری برای وفق دادن خود با محیط تاریخی جدید، از پیش‌بینی ما فراتر رفت و دورنمای دگرگونسازی سوسیالیستی در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری تا آینده معینی به عقب افتاد. در شماری از کشورهای با گرایش سوسیالیستی، وضع بصورت ناستواری باقی می‌ماند که امکان سیر قهرانی را در پی خواهد داشت. احزاب کمونیست، با برخی استثنائات،

چه در کشورهای سرمایه داری و چه در کشورهای "جهان سوم"، نتوانستند به آنچنان سازمانهای تودهای مبدل گردند که پشتیبانی قسمت بزرگی از طبقه کارگر و زحمتکشان را برای خود، تا همین نمایند. در اینجا یک سلسله ظل‌عل می‌کنند که بی‌شک یکی از آنها، تضادها، پدیده‌های بحرانی و رکودی در رشد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و بالاخره سوسیالیسم جهانی در مجموع خود بود. سوسیالیسم هنوز نتوانسته است آن "نبروی نمونه" ای را که لنین در باره آن می‌نوشت، بسپ کند...

ما باید به وضوح درک کنیم که هرگاه در نوسازی موفق نشویم، یا اساساً نوسازی محدود و تنگ اجرا شود و از نوبه داورهای مسکن و اقدامات نیم‌بندی منجر گردد، هرگاه کشورهای سوسیالیستی به سطح نوینی نرسند و هرگاه سرمایه داری بتواند بر موج جدید انقلاب علمی - فنی "سوار شود"، آنگاه تناسب قوا در مقیاس جهانی، می‌تواند به سود سرمایه داری تغییر یابد...

سفر ایش هونگریه... یافت. در این بازدیدها روابط اقتصاد و تجارتی مهمترین موضوع مذاکرات با مقامات این ایالتها بود. علاوه بر آن طی دیدار از این ایالت، مسئله تسهیلات در امر سفر شهروندان جمهوری دموکراتیک آلمان برای دیدار از خوشان خود در آلمان فدرال، از طرف مقامات این ایالتها بارها مورد اشاره قرار گرفت. هونگر طی سخنان خود در ایالت "زارلند" در این زمینه، اظهار امیدواری کرد که روزی مرزهای دو کشور - همانند مرزهای بین جمهوری دموکراتیک آلمان و لهستان - عامل یگانگی شهروندان دو کشور باشند. این اظهارات با استقبال مقامات آلمان فدرال روبرو شد و تفسیرهای مختلفی از آن به عمل آمد. هلموت کهل در این رابطه به خبرنگاران گفت که ایش هونگر طی گفتگوهای دو جانبه نیز به این مسئله اشاره کرده، افزوده است که دولت سوسیالیستی در جمهوری دموکراتیک آلمان در حال ایجاد مناسباتی با شهروندان خود است که در نتیجه آن، میل به مهاجرت به آلمان فدرال از طرف آنان کاهش یابد.

طی بازدید از ایالت‌های "زارلند" و "راینلند فالز"، هونگر علاوه بر دیدارهای رسمی، با هم‌زمان قدیمی خود، کمونیست‌ها و سوسیال دموکرات‌های دوران مبارزه علیه فاشیسم هیتلری دیدار کرد. او پس از دیدار با "وینر" - کمونیست و سپس سوسیال دموکرات ضد فاشیست که هونگر وی را معلم خود می‌شمارد - به خبرنگاران گفت که با یک دوست قدیمی ملاقات کرده است. پس از به قدرت رسیدن فاشیسم هیتلری در آلمان، و ثمره به عنوان مسئول حزب کمونیست آلمان و هونگر به عنوان مسئول سازمان جوانان این حزب در یکی از بخش‌های ایالت زارلند، برنامه تشکیل "جبهه واحد ضد فاشیستی" را رهبری می‌کردند.

دیدار از خانه محل تولد خود در "نوکیورشن" که ۵۰ سال پیش‌تر این، تحت تحقیق نازی‌ها مجبور به ترک آن شده بود و بازدید از خانه یادبود کارل مارکس در "تیرره" بخشد یکی از بازدیدهای خصوصی هونگر در این ایالتها را تشکیل می‌داد. در استان بایرن، هونگر بطور رسمی و با تشریفات خاصی از اردوگاه "داخائو" بازدید کرد. به عمل آورد سفر هونگر و هیئت همراه وی به جمهوری فدرال آلمان، با بازدید از استان بایرن و مذاکرات با مقامات محلی این استان به پایان رسید. هونگر به هنگام بازگشت، دیدار خود از آلمان فدرال را مطابق با نیاز زمان، هدفمند و مفید توصیف کرد.

چنین است اهمیت نوسازی، به گونه‌ای که از درجه سرنوشت سوسیالیسم دیده می‌شود. ما کمونیست‌های شوروی، عالی‌ترین مسئولیت، مسئولیت در برابر مردم شوروی و در برابر تمام جهان را از نوبیر عهده گرفته‌ایم. فاطمیت و ترنزل ناپذیری در مبارزه با نیروهای راکد و محافظه کار، با تمام آنچه که مزاحم نوسازی است و با تمام کسانی که مانع آن می‌گردند، درست از طریق همین مسئولیت است که باید ارزیابی شوند.

انقلاب پیروز شد. انقلاب ادامه دارد.

سازماندهی دمکراتیک...

تاسف بار آن است .

شکی نیست که همه این ناپسانمانی‌ها و درفتاریها، سهمی از بلایی است که جمهوری اسلامی و رژیم ولایت فقیه برای مردم ایران پسه ارمان آورده است، چرا که زندگی در دوزخ خمینی، بمراتب دشوارتر و مهلك تر از همه این مصائبی است که آنان اینک با آن دست به کربیان هستند . بنابراین تا این رژیم سفاک و فزون وسطایی سرنگون نشود، صلح و آرامش به ملت ایران بر نخواهد گشت . اما نیل پسه چنین هدفی، بدون يك مبارزه فداکارانه همه جانبه و مختلف الشكل در تمام عرصه‌ها، ممکن نخواهد شد، زیرا فشار فوق العاده‌ای که اکنون بر مردم اعطال می‌شود و خفقانی که در کشور حاکم است، در شرایط حاضر مانع از آن است که اعتراضات و نارضایی‌های مردم گسترش یافته‌شده به جنبش همه گیر و سرنوشت ساز گبدل گردد . در شرایط خفقان کشور، همانند سالهای حکومت اختناق پهلوی در ایران، وظیفه نیروهای سیاسی خارج از کشور و فرد فرد ایرانی - ها که مسوول در جوامعی زندگی و فعالیت می‌کنند که از جو نسبتا دمکراتیکی برخوردار است، برای رساندن فریاد اعتراض مردم ایران و سازماندهی اقدامات ضد رژیم، همدردی با زندانیان سیاسی و افشای ماهیت توتالیترستی رژیم، اهمیتی دو چندان می‌یابد . سازماندهی مبارزه برای بایکوت اقتصادی، تسلیحاتی و سیاسی ایران، عمده ترین وظیفه ایرانیان مقیم خارج از کشور است .

اگر در زمان شاه، دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور که نیروهای اصلی جوامع ایرانی را در کشورهای سرمایه داری تشکیل می‌دادند، علیرغم تشکل در گروهها و سازمانهای سیاسی مختلف، متحداً در کفد راسیون جهانی تشکل شده، فعالیتهای ضد رژیم و افشاگرانه پرارزشی را سازمان می‌دادند، اینک بر عکس آن زمان، پراکندگی نیروها و فقدان قالبهای دمکراتیکی که بتواند بخشهای فعال و سیاسی تر ایرانیان مهاجر و خارج از کشور را تشکل سازد، مشخصه تاسف بار وضع کنونی می‌باشد . از این نگره و فقدان تجمعات دمکراتیک، فقط و فقط رژیم جمهوری اسلامی می‌تواند بهره مند شود . پس وقت آن رسیده است که دست به کار شد و با توسل به ابتکارات مختلف و واقع بینانه به رکود و کم عملی موجود برای همیشه پایان داد . هیئت موسسان جنبش توده‌ایهای مبارز انحصاری، در سومین اجلاس خود (۲۵ مرداد ۶۶)، پراکندگی فعالیتهای نیروهای دمکرات و شرقی علیه رژیم، کوشش برای هماهنگ کردن و متحد ساختن این نوع فعالیتها و چگونگی کارایی آن در مقابله با رژیم و بسیج افکار عمومی بجا طرک کم رسانی به نیروهای میلیونی مهاجرین ایرانی، بویژه در دفاع متحد و سازمان یافته علیه اجحافات و تصفیقات مقامات کشوری محصل اقامت آنان را مورد بحث و بررسی قرار داد . در جمع بندی مباحث مذکور از جمله آمده است :

"با توجه به شرایطی که اینک در کشور حاکم است، لزوم تشدید فعالیت و شرکت فعالانه و موثر در آکسیونها، تظاهرات، انجمنها و اجتماعات مختلف با هدف دفاع از زندانیان سیاسی، مخالفت با جنگ ایران و عراق، اعتراض به سیاست و عملکرد سرکوبگرانه رژیم و دفاع از نیروهای سیاسی و افرادی که به دلایل اعتقادات سیاسی، مذهبی و فرهنگی شان مورد تجاوز و تضییق رژیم، چه در داخل و چه در خارج کشور قرار می‌گیرند، هرچه بیشتر آشکار می‌گردد . این تشدید فعالیت، می‌تواند و باید مساله کمک به مهاجرین ایرانی در کشورهای مختلف، در رابطه با مساله پناهنده‌گی، معیشتی، تحصیلی و غیره را نیز در برگیرد و همچون بخشی از مبارزه انقلابی و دمکراتیک علیه رژیم سفاک جمهوری اسلامی به حساب آورده شود ."

اما این آکسیونها، تظاهرات یا تشکیلات انجمنها و اجتماعات، بر چه پایه و چارچوب و اصولی می‌باید استوار باشد تا بتواند موفقیت آمیز تر بوده، بخشهای هرچه وسیعتری از نیروهای سیاسی و قاطبه ایرانیان مقیم کشورهای مختلف را با تعلقات و اعتقادات و تعالیات سیاسی - ایدئولوژیک مختلف در برگیرد و در عین حال واقع بینانه و عملی باشد . در این زمینه در سند فوق الذکر می‌خوانیم :

"تجربه نشان داده است که در شرایط کنونی، با توجه به پراکندگی نیروهای سیاسی و اختلاف نظرها و پیشداوریهای موجود در میان آنان، آکسیونهایی که تحت نام و یا به ابتکار يك سازمان و گروه مشخص و یا انجمنهایی که پشت سر این یا آن سازمان سیاسی قرار دارند صورت می‌گیرد، در عمل با واکنش منفی سایر نیروهای سیاسی و هواداران آنها مواجه شده، از همکاری و مشارکت در چنین فعالیتهایی، ولو اینکه علیه رژیم و یا حتی در دفاع از زندانیان سیاسی باشد، خود داری می‌شود . اساسا شکل دمکراتیک کار توده‌ای ایجاب می‌کند که از هرگونه تلاش در تبدیل کردن سازمانهای دمکراتیک توده‌ای به شعبه يك سازمان سیاسی و هم هویت کردن آنها با یکدیگر اکیدا اجتناب شود . باید جوهر تفکر و اساس عملکرد ما در کارها، دمکراتیک توده‌ای، بکارگیری شیوه‌های خاص کار توده‌ای باشد تا شرکت وسیعترین اقشار را ممکن سازد . بهین مناسبت به اعتقاد ما، چنین اقدامات و تظاهرات و اجتماعاتی، باید طوری سازماندهی شوند که بدون نام و نشان سازمان سیاسی معینی صورت بگیرند . تلاش در این راستا، وظیفه همه نیروهای مترقی و عناصر دمکرات و ضد رژیم و از جمله تشکیلات ما است ."

تجربه موفقیت آمیز تظاهرات اخیر در پایتخت آلمان فدرال، به مناسبت سفر ولایتی به آن کشور، در این رابطه آموزنده است . اما متأسفانه، بعضی از سازمانهای سیاسی چپ به انگیزه سوداگری سیاسی می‌خواهند از راه تبلیغاتی کودکانه این تظاهرات را به حساب خود واریز کرده، بسا خود محور بینی‌هایشان، نظفه را در تخم خفه سازند .

هیئت موسسان می‌بایستی به این سوآل سهل و ممتنع پاسخ روشنی بدهد که آیا دفاع از هم - میهنانی که با مشکلات مهاجرت روبرو هستند، باید در قید تعلقات سیاسی و اعتقادات ایدئولوژیک آنان باشد ؟ آیا شرکت در تظاهرات ضد رژیم، در همبستگی با زندانیان سیاسی، باید همراه با قید و شرط سیاسی یا طرد این وان باشد ؟ در برابر يك پناهنده ایرانی که صرفا از سرریزی فرار می‌کند، یا آن ایرانی که صرفا بخاطر پنهانی بودن جان خود را بدربیده و اینک با دشواری کار پناهنده گیش مواجه است و پناهگاهی هم ندارد، یا مقابل عنصری که با رژیم خمینی درگیر اما مخالف کمونیسم هستند و در شرایط مشخص کنونی ایران، در برابر مشکل شخصی قرار گرفته‌اند و بمثابه يك ایرانی فریاد رسی ندارند، چه باید کرد ؟ آیا اینگونه افراد، نباید مسوول حمایت نهادهای واقعا دمکراتیکی قرار گیرند که در حقیقت با چنین مقاصدی تشکل شده‌اند ؟ اگر بخواهیم اعتراض به جنگ ایران و عراق، برای همبستگی با زندانیان سیاسی، برای حمایت از آزادی و حقوق انسانی زنان و سایر اقدامات ضد رژیم و ضد اختناق آکسیونها و تظاهراتی صورت بگیرد، آیا شرکت در چنین آکسیونهایی باید با قید و بند های سیاسی - ایدئولوژیک همراه باشد ؟ هیئت موسسان در پاسخ به این مسایل معتقد است :

"ما معتقدیم که همه هم میهنانی که بخاطر فشارهای گوناگونی که از طرف رژیم ارتجاعی - استبدادی خمینی اعطال می‌شود، مجبور به ترك کشور و مهاجرت شده‌اند، باید مورد حمایت قرار گیرند و تعلقات سیاسی و گروهی و اعتقادات ایدئولوژیک - سیاسی آنان نباید موجب محرومیتشان از شرکت در آکسیونها، تظاهرات، انجمنها و اجتماعات فوق - الذکر باشد ."

هیئت موسسان از همه کمیته‌های کشوری و واحد های جنبش توده‌ایهای مبارز انحصاری می‌طلبد که برای پیاده کردن عملی این خط مشی، فعالانه اقدام نمایند . به نظر ما، ایجاد انجمنها و جمعیتهای حمایت از مهاجرین ایرانی، یا سایر انجمنها و جمعیتهای ایرانیان مقیم خارج از کشور، سازمانهای دانشجویی و دانش آموزی در نقاط مختلف، به نحوی که بتوانند وسیعترین اقشار ایرانی و یاد انججوی را در بر گرفته، بطور موثری بمایرانیان مهاجر یاری رسانده، یا در افشای

رژیم سفاک جمهوری اسلامی، خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق، تجهیز افکار عمومی جهان، انزوای سیاسی و بایکوت اقتصادي رژیم قد مهاي جدي ببرد، ضرورت فوري دارد. هیئت موسسان از همه کمیته‌های کشوری و واحدهای مختلف جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی می‌طلبید که این ساله را فوراً در دستور روز خود قرار داده، به بررسی مشخص شرایط محلی بپردازند و با ارائه نظریات، پیشنهادات و برنامه ریزی‌های مشخص با سایر نیروهای سیاسی محلی و ایرانیان بانفوذ و خوش نام به تبادل نظر پرداخته، بابه کار گرفتن ابتکارات مختلف، بید رنگ به اجرای عملی آن بپردازند و سپس کمیته هماهنگی را در جریان اقدامات و ابتکارات خود قرار دهند.

در اینجا ممکن است این سوال مطرح شود که اگر مشی و سیاست فوق درست است، پس چرا جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی در طرح خود برای جبهه‌انقلابی د مکرانیک برای سرنوشت رژیم، برای شرکت نیروهای سیاسی و شخصیت‌های اجتماعی، قید و بند می‌گذارد؟ چرا مثلاً ائتلاف با نیروهای سلطنت طلب و یا نیروهایی که خواستار استقرار نوعی جمهوری اسلامی پس از سرنوشت رژیم کنونی هستند، در چنین جبهه‌انقلابی نفی می‌کند، یا چرا شرکت بعضی از نیروهای سیاسی را در چنین جبهه‌انقلابی مجاز نمی‌داند؟ علت اصلی، آن اصولی است که در برنامه و چارچوب اساسنامه‌های جبهه قید شده است. ما مواضع خود و دلایل آنرا در اسناد کنفرانس‌های سرتاسری و نیز در نوشته‌ها و ویژه‌های در رابطه با سیاستهای ائتلافی جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی، در شماره ۴ بولتن بحثهای نظری - سیاسی، بیسان کرده‌ایم. معیناً تذکراتی چند را همچنان لازم می‌دانیم.

در تشکلهای و اقدامات و تظاهرات د مکرانیک توده‌ای که در اینجا مورد نظر است، همانگونه که تاکید نمودیم، هویت سیاسی - ایدئولوژیک افراد و وابستگی آنان به این یا آن سازمان سیاسی، فرهنگی یا مذهبی، تعیین کننده نیست، زیرا شرکت افراد در این تشکلهای و اقدامات و تظاهرات، صرفاً بعلت پذیرش شعارهای مبین و اهداف مشخص هر یک از این مجامع د مکرانیک است. ما نمی‌توانیم مثلاً بیک دانشجوی ایرانی را به جرم وابستگی به بیک گروه خاص سیاسی، از شرکت در یک انجمن د مکرانیک همه گیر دانشجویی محروم کنیم، یا برای پذیرش یک پناهنده سیاسی در تشکلهای که کار دفاع از پناهندگان ایرانی را به عهده دارد، قید و شرط سیاسی قایل شده، به تغش عاید بپردازیم. به عبارت دیگر، تشکلهای توده‌ای بطور د مکرانیک از جمع ایرانیان تشکیل می‌شود که شعارها و اهداف معین و مشخصی را می‌پذیرند. فقط در چنین حالتی است که تشکلهای توده‌ای و صنفی خواهند توانست،

اعتدال و اعتبار لازم را در میان اکثریت هم - میهنان ما کسب کنند. در غیر اینصورت، یعنی با اعمال نظریات گروهی یا محدودیتهای مشابه، تشکلهای د مکرانیک توده‌ای در عمل عقیم مانده از پیشبرد وظایف محوله بازمی‌مانند.

طبیعی است اثر سازمانهای سیاسی بسا همکاری برابر حقوق بایکدیگر، دست به کار و اقدام مشخص علیه جنگ یا برای حمایت از زندانیان سیاسی، افشا، رژیم و غیره بزنند، جنبش توده‌ایهای مبارز با علاقه در آن شرکت خواهد کرد. تنها در صورت حضور نیروهایی که ما به دلیل خاص خوشبختی همکاری با آنان خود داری می‌کنیم است که با اعلام روشن مواضع خود، از شرکت در چنین موردی امتناع خواهیم ورزید.

اما ساله شرکت در جبهه د مکرانیک برای سرنوشت رژیم، بکلی متفاوت است. در جبهه د مکرانیک، برخلاف تشکلهای د مکرانیک توده‌ای، ما با هویت سیاسی نیروهای شرکت کننده طرفیم و قضاوت خود را بر آن پایه استوار می - سازیم. زیرا جبهه، محل تجمع آن نیروهای سیاسی است که بر اساس کاربایه مشترکی به توافق رسیده، در راستای آن، مبارزات خود را سازمان می‌دهند. بنابراین در جبهه د مکرانیک، ما با توده‌های بدون هویت طرف نیستیم، بلکه بر عکس، هویت سیاسی و اعتبار اجتماعی شرکت کنندگان آن از نظر اعتبار عمومی جبهه و تعهدی که هر یک از تشکیل دهندگان آن برای عملی ساختن اهداف و برنامه جبهه برعهده می‌گیرند، حائز اهمیت است. مثلاً اثر هدف جبهه د مکرانیک، سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری د مکرانیک است، در چنین جبهه‌ای، آن نیروی سیاسی که خواستار سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی و استقرار رژیم سلطنتی است، نمی‌تواند شرکت داشته باشد، زیرا بسا مشور و کاربایه جبهه د مکرانیک و اصول برنامه‌های آن در تضاد است. حال آنکه مساله تشکلهای توده‌ای و اقدامات و تظاهرات د مکرانیک مورد نظر ما، امر دیگری است. موضوع کنونی بحث ما سازماندهی اقدامات و تظاهرات ضد رژیم، در همبستگی با زندانیان سیاسی و مردم ایران، در اعتراض به ادامه جنگ بیپایان و خانمان برانداز است، نه امر سرنوشت رژیم، تشکیل دولت موقت

و فراخوانی مجلس موسسان که رسالت جبهه انقلابی د مکرانیک می‌باشد و قانونمندی‌های خود را دارد.

لذا ما حمایت از هر زندانی سیاسی، یا هر انسانی که بخاطر عقاید سیاسی، مذهبی، فرهنگی و هر آنچه که از آزادی فردی و اجتماعی او ناشی می‌شود، مورد پیشبرد رژیم جمهوری اسلامی قرار بگیرد را از وظایف خود می‌دانیم. منتهی باید دقت کرد که انجام این وظیفه انسانی، به قیمت همکاری نیروهای سیاسی مترقی با جریانهای ارتجاعی و بدنام تمام نشده، از این راه به حیثیت جنبش مترقی ایران صد مه‌ای وارد نیاید. ما اختلافات نظری، سیاسی و ایدئولوژیک خود را با جریانهای سیاسی باید از راههای دیگر و با شیوه‌های دیگر حل و فصل نماییم. ما حمایت از هر ایرانی که بدلیل مختلف و حتی فرار از که خود نوعی مخالفت با سیاست جنگ طلبانه رژیم است و اینک در مهاجرت با دشواری روبرو می‌باشد را وظیفه خود می‌دانیم. به همین مناسبت هم، آنچنان اشکال و شیوه‌های مبارزاتی و سازماندهی را پیشنهاد می‌کنیم که این تعارض ظاهری را از میان ببرد. انجام آکسیونها و تظاهرات بی‌نام و نشان، تشکیل انجمنهای خارج از مدار احزاب و سازمانها، محدود و مشخص کردن حدود و وظایف آنها، به همین منظور است. جلوگیری از اختن ابتکارات محلی، در یک شهر، یک منطقه و یک کشور، بجای ایجاد تشکلهای متمرکز و فدرال، از همین زاویه است. در حقیقت مضمون پیشنهادات ما بررسی امکان‌های عملی در سطح ایرانیان مقیم هر شهر و منطقه و در صفوف و پایه‌های نیروهای سیاسی و ویژه هزاران هزار ایرانی غیر متشکل و آواره و منفعل است که بکلی از دسترس نیروهای سیاسی خارج اند. طبیعی است در حال حاضر که خود نیروهای سیاسی چپ مارکسیستی و مترقی پراکنده هستند، اما در صفوف و اطراف و در حیطه نفوذ خود، هنوز نیروهای چشمگیری را در بر دارند، فعالیت‌های اولیه، لازم است که از همینجا آغاز شود و سپس به تدریج گسترش یابد.

آنچه در لحظه کنونی اساسی است، به حرکت درآوردن این توده‌های میلیونی ایرانی است که در اقصی نقاط جهان پراکنده بوده، عمدتاً منفعل و سرخورده می‌باشند.

بیانیه چپ‌های ...

کنونی و وظایف پس از برگزاری انتخابات د مکرانیک اعلام داشته و حاضریم این امر را در اولویت قرار دهیم. پیکار د مکرانیک در آینده حول این قطبها شکل گرفته و سازمان خواهد یافت:

الف - بسیج جامعه برای تأمین خواسته‌های خلق: نیروهای چپ همه سازمانهای اجتماعی و سیاسی را فرا می‌خوانند تا در بسیج جامعه و فعال کردن و تقویت نقش پیشاهنگ خلق بکوشند و از خواسته‌های عاجل روز حرکت کنند.

ب - بسیج جامعه برای انتخابات آزاد و د مکرانیک: خواسته انتخابات آزاد و د مکرانیک، عادلانه و از حقوق قانونی خلق شیلی است. برای اینکه خواسته انتخابات آزاد و د مکرانیک نقش خود را در پیکار ضد دیکتاتوری ایفا نماید، باید آنرا جزئی از تفکیک ناپذیر مجموعه

مبارزات خلق به حساب آورد. بدون بسیج اجتماعی، رسیدن به انتخابات آزاد و د مکرانیک ناممکن است. هرگونه انتخاباتی در چارچوب سیستم کنونی، غیرقانونی، غیر اخلاقی و فریبکارانه است.

ج - ایجاد واحدهای عملیاتی برای پیشبرد مطالبات خلق و رسیدن به انتخابات آزاد و د مکرانیک: نیروهای چپ شیلی جهت هماهنگ کردن اقدامات همه سازمانهای اجتماعی و سیاسی پیشنهاد می‌کنند که واحدهای عملیاتی مشترکی برای پیشبرد خواسته‌های خلق و رسیدن به انتخابات آزاد و د مکرانیک در مناطق مختلف کشور تشکیل گردد. این واحدها را میتوان در سطح محلات تشکیل داد و بطور گسترده در سرتاسر کشور پراکند.

جرمش این بود که اسرار هویدامی کرد!

سو* قصد به مدیر "الشراع" در لبنان در پی محاکمه سید مهدی هاشمی در تهران!

سردمداران کاخ سفید با سران جمهوری اسلامی دست یافته است. همچنین، جرائم عنوان شده برای سید مهدی هاشمی در محاکمات اخیر وی در دادگاه ویژه روحانیت، مبنی بر مخالفت و اقدام علیه سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی و "نشراکادیب بمنظور بدبین کردن مردم نسبت به شخصیت های نظام"، در این رابطه معنسی و مفهوم می یابند.

بدین ترتیب، بی بردن به این نکته که چه کسانی و به چه منظوری در سو* قصد به حسن صبرا دست داشته اند، چندان دشوار بنظر نمی آید.

اگر چه رژیم فقها در جلسات محاکمه سید مهدی هاشمی با طرح و عده کردن جرائم وی در زمینه "قتل و جنایتی" که وی سالها پیش از این مرتکب شده است سعی فراوانی بکار برد تا افکار عمومی را از توجه به نقشی وی و دایره دستهای در افشاکاری علیه جریان سفرمک فارلین و زدویندهای پنهانی سران رژیم با زمامداران کاخ سفید منحرف سازد، اما کمتر کسی است که از خود سوال نکند که آن جرم بزرگ که وی را از مقام مسئولیتهای بزرگ در نظام جمهوری اسلامی به پای میز محاکمه کشانده است چه بوده است؟ مگر نه این است که آقایان

صبح روز دوشنبه چهاردهم سپتامبر سال جاری مسیحی، "حسن صبرا" سردبیر نشریه "الشراع"، در یکی از خیابانهای بخش غربی بیروت از طرف دو موتور سوار مسلح، مورد سو* قصد فرار گرفت.

"الشراع" همان نشریه معروف لبنانی است که نزدیک به یکسال پیش، با انتشار خبر سفرمک فارلین به تهران، پرده از روی زدویندهای پنهانی سردمداران کاخ سفید با سران جمهوری اسلامی برداشت و ماجرای "ایران گیت" را بر سر زبانها انداخت. شخص "حسن صبرا" که خود را از جناح چپ "ناصریستها" میدانند، به گزارش خبرگزاریها، همواره روابط بسیار نزدیکی با اطرافیان منتظری داشته و مورد بغض و کینه "حزبالله لبنان" بوده است.

اینگذشت یک سال از تاریخ افشاکاری "الشراع" در رابطه با سفرمک فارلین به تهران و پیامدهای آن، دستگیری دارو دسته سید مهدی هاشمی و پخش اعلامیه های افشاکاری طرفداران او در باره گفتگوهای سران جمهوری اسلامی با مک فارلیو همراهانش در تهران و با توجه به گزارشهای مربوط به ارتباط حسن صبرا با "اطرافیان منتظری"، می توان دریافت که الشراع از چه منبعی به اسرار زدویندهای پنهان

از سالها پیش از این از جرائم مهدی هاشمی در زمینه "قتل و جنایت" اطلاع داشتند و مگر نه این است که خمینی سالها پیش در پیام به "روحانیون مبارزی" که در اعتراض به بازداشت وی از طرف رژیم شاه در کلیسای در پاریس دست به اعتصاب غذا زده بودند نوشت که: "سید مهدی یک قاتل است، نه یک زندانی سیاسی".

ظیرغم همه این مسائل، سید مهدی هاشمی در نظام جمهوری اسلامی نه تنها دستگیر و زندانی نمی شود بلکه مسئولیتهای بزرگ و متعددی را نیز به عهده می گیرد. دستگیری او برای سران رژیم زمانی در دستور کار قرار می گیرد که افشاکاریهای پرده از زدویندهای پنهان با نمایندگان "شیطان بزرگ" بر میدارد و کپان اسلام خمینی را به خطرس می اندازد.

بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی مخالفت و اقدام علیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی از طرف سید مهدی هاشمی را با دستگیری، گرفتن اعتراف و محاکمه در تهران پاسخ می گوید و در لبنان، آنجا که چنین امکانی وجود ندارد، از طریق ترور و سو* قصد دست به انتقام گیری از همکاران وی می زند!

هیئت های کارشناسان دو کشور گذاشته شده است.

در حالیکه خبرگزاریهای جهان، خبرهای فوق را نشانه های نزدیکی رژیم جمهوری اسلامی به اتحاد شوروی می کنند، "گالیتسین" مسئول بخش مربوط به مسائل کشورهای حوزه خلیج فارس در وزارت امور خارجه اتحاد شوروی، طی مصاحبه ای که روزنامه "کویت" الانبا منتشر شد، ابراز داشت: "۰۰۰ این مسئله که ایسران در موافقت با صلحی عادلانه تا چه حد حسن نیت دارد، در گروه نتیجه گفتگوهای دبیر کل سازمان ملل با سران دو کشور، طی ماموریت اخیر است. به گفته وی اگر این ماموریت با شکست روبرو شود - این حالتیست که بنظر ما پیش نخواهد آمد - اتحاد شوروی اعضای دائمی شورای امنیت را به گفتگوهای جدیدی درباره این مسئله فرا خواهد خواند تا کامهای جدیدی در چارچوب قوانین سازمان ملل متحد برداشته شود. گالیتسین در این مصاحبه اضافه می کند که اتحاد شوروی با هرگونه راه حل نظامی برای حل اختلافات، مخالف است و در مورد جنگ ایران و عراق از هر قطعنامه صادره از جانب سازمان ملل متحد پشتیبانی خواهد کرد. به گفته گالیتسین "اتحاد شوروی با پیشبینی تحریم تسلیحاتی، اساسا موافق است." به نوشته روزنامه های رژیم جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاریها، موضع اتحاد شوروی در قبال جنگ ایران و عراق و اوضاع خلیج فارس، در عراق با ناخشنودی روبرو شده است و روزنامه های عراقی این موضع را مورد انتقاد شدید قرار داده اند.

رفسنجانی: "از مواضع خردمندانه اتحاد شوروی متشکریم!"

از اتحاد شوروی بازید نماید. در این دیدار، سفیر شوروی در تهران دعوت کتبی روسای مجلسین "شورای عالی اتحاد" و "شورای عالی ملت های شوروی از رئیس مجلس و هیئت پارلمانی ایران را تسلیم هاشمی رفسنجانی کرده بود. محمد لاریجانی قائم مقام وزارت امور خارجه ایران نیز چندی پیش به هنگام دیدار خود از جمهوری فدرال آلمان، از سیاست اتحاد شوروی که به گفته وی در نتیجه آن "روابط دو کشور طی سال گذشته تبادل نظر و جانبه مستحکم تر شده است"، تعجید کرده افزود که "سیاست عادلانه اتحاد شوروی با سیاست ایران هماهنگی دارد." وی همچنین طی دیدار اخیر خود از اتحاد شوروی، در ملاقات با "ورتنسف" قائم مقام وزارت امور خارجه ایسن کشور، اعلام داشت که "جمهوری اسلامی ایران، طرفدار توسعه و تعمیق مناسبات با اتحاد شوروی، با توجه به همسایگی و همسوسی های ضد امپریالیستی و مشترکات دو کشور می باشد." به نوشته روزنامه رسالت، طی ملاقات لاریجانی با "نیکلای روستکونسی" نخست وزیر اتحاد شوروی، برنا به متوسطه صد و نغ ایران از طریق خاک شوروی به طرف دریای سیاه مورد بررسی قرار گرفته، در زمینه احداث خط آهن سراسری شرق ایران و برقراری کشتیرانی مشترک در دریای خزر، قرار ملاقات

در کیوردار افزایش تلاشهای دیپلماتیک رژیم جمهوری اسلامی برای توجیه سیاست جنگ طلبانه خود در سطح بین المللی، مخالفست اتحاد شوروی با حضور گسترده ناوگان جنگی آمریکا در خلیج فارس و اصل پیشنهادی تنبیه متخلف از قطع نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد از طرف این کشور، موجی از رضایت و قدردانی در اظهار نظرها سران جمهوری اسلامی برانگیخته است.

اتحاد شوروی حضور نیروهای خارجی و ویژه استقرار بی سابقه ناوگان جنگی آمریکا در آبهای خلیج فارس را عامل تشنج در منطقه می داند و تأکید می کند که کلیه نیروهای خارجی از خلیج فارس خارج شوند. علاوه بر آن اتحاد شوروی معتقد است که جنگ بین ایران و عراق باید بلا درنگ قطع شود. طبق گزارش خبرگزاریها، اتحاد شوروی صدور قطع نامه دومی از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تحریم تسلیحاتی و اقتصادی ایران، پیش از انجام ماموریت دبیر کل سازمان ملل را اقدامی زود رس و موقد دانسته است.

به نوشته روزنامه کیهان، هاشمی رفسنجانی پس از دیدار با سفیر اتحاد شوروی در تهران "با تشکر" از "مواضع خردمندانه اتحاد - جواهر شوروی در مسائل منطقه، اظهار امیدواری کرد که در یک فرصت مناسب

بیانیه چپ‌های متحد

صورت گرفته است. در بیانیه آمده است:

۱- اتحاد چپ، اتحاد برای دگرگونی و تحولات؛ ما احزاب سیاسی چپ شیلی متحد شده ایم تا جنبش اجتماعی را برای خواستها و مطالبات ملی پیش برده و به سطح بالاتری افزایش دهیم. احزاب چپ شیلی در آینده نیز همچنان در این راستا خواهند کوشید، زمینه کافی برای همکاری مجموعه نیروهای اپوزیسیون فراهم آید و به این ترتیب سدی در مقابل پهنوشه رژیم او که خواهان سیطره ابدی هستند، ایجاد کرد. ما خود را موظف میدانیم که بطور خستگی ناپذیر برای رسیدن به اهداف زیرین مبارزه کنیم؛ پایان دادن به دیکتاتوری و استقرار دیموکراسی در شیلی. ما خود را موظف می‌دانیم که دولت و جامعه شیلی را دیموکراتیزه کنیم.

ما خواهان حقیقت، عدالت و جبران خلافت‌هایها در موارد نقض حقوق بشر هستیم، تا به این ترتیب اعتبار شیلی به عنوان یک ملت و یک خلق دوباره بدست آید. ما درآنها را بطور رادیکال تجدید تقسیم خواهیم نمود، تمرکز انحصاری مالکیت و ثروت را پایان خواهیم بخشید و بر حیا و شیلی توسط شرکتهای چند ملیتی نقطه پایان خواهیم نهاد. ما برای اینکار بدلیل نفوذ امپریالیسم در کشور، خواسته خود را بنی بر اقدام کامل به حق مالکیت مستقل اعلام می‌کنیم. جنبش خلق باید نیرومند تر شود، کسترش یابد و تکامل پیدا کند. دگرگونی و سازمان اجتماعی وسیع و یکپارچه برای پیکار در راه خواسته‌های بنیادی، به خلق امکان خواهد داد تا قدرت خود را افزایش دهد.

درباره ساختمان یک جامعه نوین: دوام حیات و تقویت آینده، دیموکراتیک ما منوط به تحقق دگرگونی‌های بزرگ و عمیق در کشور است. سنگینی ما بسوی تبدیل شدن به آنچه انسان نیروی اجتماعی-سیاسی تشکیل یافته از اکثریت جامعه است که بتواند تحولات ژرف را عملی ساخته و در یک پروژه تاریخی واحد، اهداف آزادی، عدالت، دگرگونی و سوسیالیسم را تلفیق نماید. سوسیالیسمی که ما خواهان آنیم به معنی شرکت فعال خلق در اعمال قدرت و مدیریت اقتصاد است. ما تصمیم راسخ خود را برای گذار از مرحله فعلی همکار نیروهای چپ به مرحله سیاسی، برنامه‌های و سازمانی عالی تری اعلام می‌کنیم. ما برای اینکار، اقدام به ایجاد یک مدیریت واحد از مجموعه نیروهای چپ با دورنمای یک ائتلاف عالی تر خواهیم نمود که جایگزین ائتلاف کنونی خواهد شد.

۲- راه پیکار ما

تجربه پیکار ما در سال جاری یکبار دیگر تأیید کرد که راه اصلی ما برای پایان دادن به سلطه دیکتاتوری و رسیدن به دگرگونی، بسیج یکپارچه، مستمر و فزاینده نیروهای مختلف اجتماعی-سیاسی کشور و اتحاد عمل گسترده

امروزه ضرورت نزدیکی و اتحاد عمل نیروهای چپ و انقلابی میهن ما بیش از هر زمان احساس می‌شود. گردانهای مختلف جنبش کمونیستی و انقلابی ایران که خود این نیاز عاجل را درک کرده‌اند، هر یک به سهم خود می‌کوشند با طرح دیدگاه‌های خود برای نزدیکی و اتحاد و وحدت زرمند، سازمانهای انقلابی به این روند یاری رسانند. جنبش توده‌ایهای مبارز از بد و پیدایش خود همواره ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی و وحدت گردانهای جنبش کمونیستی ایران را مورد تأکید قرار داده و کمر را خاطر نشان ساخته است که نیروهای انقلابی میهن ما در شرایط از هم پاشیدگی و فقدان عطرکد هماهنگ و یکپارچه، هیچگاه قادر نخواهند بود تأثیر لازم را بر سیر تحولات اجتماعی و خیزش‌های انقلابی آتی کشور بگذارند و لذا هرگونه تحول آتی که در خارج از حیطه کنترل و تأثیرگذاری آنها صورت پذیرد، خطر شکست و عقیم ماندن جنبش انقلابی را به همراه خواهد داشت. توده‌ایهای مبارز انحصاری چه در اسناد کنفرانس سراسری خود و چه در جزوات و بولتن‌های داخلی، دیدگاه‌های خود را پیرامون وحدت سازمانهای مارکسیستی و همچنین جبهه گسترده تری مشکل از انقلابیون کمونیست و دیموکرات در معرض قضاوت جنبش انقلابی ایران قرار داده‌اند. از آنجا که طرح دیدگاه‌های گوناگون وحت و تبادل نظر سازنده و دیموکراتیک میان سازمان‌های انقلابی ایران حول این دیدگاه‌ها، کامهای اولیه در راه اتحاد و نطفه‌های امید بخش این حرکت است، نشریه ما به سهم خود خواهد کوشید در چنین کارزاری شرکت فعال داشته باشد. ما در عین حال بر آنیم که آموختن از تجربیات دیگران و کارست‌ایین تجربیات بدین الگو برداری و مطلق کردن آنها می‌تواند و باید نقش مؤثری در این روند حیاتی ایفا نماید. از همین رو خواهیم کوشید به موازات پیش بردن مباحث مربوط به جبهه، اسنادی از جنبش‌های ائتلافی انقلابی در سایر کشورهای جهان را ترجمه و در اختیار نیروهای جنبش قرار دهیم. در تاریخ ۲۶ آوون امسال، ۷ سازمان چپ شیلی اقدام به تشکیل جبهه مؤتلفی به نام "چپ‌های متحد" نمودند. اعضای این ائتلاف عبارتند از: مسیحی‌های چپ، جنبش واحد آکسیون خلق، جنبش چپ‌های انقلابی (میر)، حزب کمونیست شیلی، حزب رادیکال شیلی، حزب تاریخی سوسیالیست شیلی و حزب سوسیالیست شیلی. این احزاب توسط بیانیه مشترکی برنامه عمل خود را اختیار افکار عمومی شیلی قرار داده‌اند. ما در این شماره "پژواک" ترجمه خلاصه شده این بیانیه مهم نیروهای متحد چپ و انقلابی شیلی را از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.

احزاب سیاسی چپ نامبرده در فوق، اعلام کرده‌اند که اتحاد آنها به منظور پیکار مشترک برای سرنگونی هرچه سرمتر رژیم کنونی شیلی

اپوزیسیون است.

نیروهای چپ شیلی دارای این مسئولیت خطیر هستند که مبارزات توده‌ای را تقویت کنند. آنها این کار را باید بویژه به این دلیل قاطعانه انجام دهند، که در شیلی نیروهای وجود دارند که اقدامات آنها متوجه راه حل سیاسی در چارچوب سیستم کنونی است، یعنی چیزی که سیطره این رژیم ضد دیموکراتیک را جاودانه خواهد ساخت. ما خواهان شکست سیاسی رژیم دیکتاتوری هستیم. ما سیستم سیاسی موجود در شیلی و همچنین نظام قضایی، اقتصادی و اجتماعی حاکم را که در قانون اساسی سال ۱۹۸۰ تصریح شده است، با دگرگونی تلفیق ناپذیر می‌دانیم. احزاب چپ شیلی حاضر نیستند مبر تأیید بر راه حلی برای نجات کشور از بحران بزنند، که در راستای مکانیسم‌های به اصطلاح گذار در چارچوب سیستم ضد دیموکراتیک کنونی است و بر نهاد های غیر قانونی مکی بر قانون اساسی سال ۱۹۸۰ و قوانین سیاسی ناشی از آنها استوار است. ما قانون موجود در باره احزاب سیاسی را بطور کاتگوریک رد می‌کنیم.

ما خواستار اعطال قهر نیستیم و به همین علت در جستجوی ایجاد آنچه رژیم نونی هستیم که در آن تفاوت‌های مشروع از راه‌های سیاسی، مسالمت‌آمیز و دیموکراتیک حل شوند. نظامی کردن سیاست هیچگاه خواست در عین حال این حق قانونی خلق شیلی را به رسمیت می‌شناسیم که از خود دفاع کند.

۳- دیدگاه ما درباره دوران گذار:

برای اینکه دوران گذار ما به دگرگونی در جاده صحیح بیفتد، به نظر ما باید راهی را برگزید که استقلال و حق حکمیت خلق را بازگرداند. به این منظور باید اقدامات زیر صورت پذیرد:

الف- تشکیل یک دولت موقت ملی که نمایندگی وسیع‌ترین نیروهای دیموکراتیک را داشته باشد.

ب- انتخابات آزاد و دیموکراتیک همه نهاد های سیاسی دولت، ریاست جمهوری و مجلس قانون گذاری یا کنگره. با تضمین کامل شرکت همه بخش‌های سیاسی جامعه در آنها.

۴- فراخوان خطاب به همه نیروهای دیموکراتیک برای یک توافق ملی:

ما فراخوان نیروهای چپ شیلی را خطاب به همه نیروهای اپوزیسیون تکرار می‌کنیم: باید در چارچوب یک استراتژی مبارزاتی مشترک و بر اساس توافق در زمینه دوران گذار و بنیاد های رژیم دیموکراتیک آینده با هم به تفاهم رسید.

۵- وظایف امروزی؛ بسیج جامعه برای خواستهای خلق و برای انتخابات آزاد دیموکراتیک: این موضوع دارای اهمیت اساسی است که با انرژی تازه، جامعه را در پیکار بر خاسته‌های اقتصادی اجتماعی، حقوق بشر و دگرگونی بسیج نموده و به جلو سوق دهیم. ما آمادگی خود را برای تلفیق خواسته‌های عاجل بقیه در صفحه ۹

مبانی فکری حوادث اخیر مکه

همهٔ مسلمانان را متحد کرد تا يك قدرت بزرگ اسلامی تشکیل دهند و در گام بعد، این قدرت را به جنگ قدرتهای بزرگ جهانی (که تجسم کفر و شرک هستند) برد و آنها را بر انداخت. از اینجاست که اسد آبادی مبلغ "اتحاد بلاد اسلامی و تشکیل امپراتوری اسلامی" بود و خمینی امروز منادی "وحدت کلمه" و تشکیل نوعی ابر قدرت اسلامی است. خمینی نیروهای خیر و شر را اسلام و طاقوت یا کفر و ایقان جهان ما را درست با همان طرح ساده و شطایتک صحر اسلام ترسیم می‌کند: اگر اعراب بادی نشین، صدر اسلام توانستند با نیروی ایقان و ایثار خود دو قدرت بزرگ روزگار یعنی ایران و روم را بسازند و بر آوردند، پس مسلمانان امروز هم می‌توانند دو ابر قدرت را شکست بدهند. اما تفاوت خمینی و اسد آبادی در آن است که سید جمال الدین به اتحاد دولتهای اسلامی امید بسته بود، در حالیکه خمینی، خود این دولتها را سبب راه اتحاد می‌داند. بنابراین جنبش جهانی او، با سرنگونی همین دولتها آغاز می‌شود. شمار اصلی خمینی، بر انکیزاندن مردم کشورهای اسلامی علیه حکام "غیر مسلمان" و تشکیل حکومتهای اسلامی است. نظریات خمینی مدتی است که هم در ایران و هم در سایر کشورهای اسلامی با مقاومت فزاینده‌ای مواجه شده است. در حالی که در ابتدا، امیدهای زیادی در دل‌های از همه جا ناامید مسلمانان جهان بر افروخته، مشتاقان فداکاری یافته بود که هنوز هم بخشهایی از آنان مضطرب بر باد رفتن امیدهایشان، نظاره‌گر افول و سقوط انقلاب اسلامی خمینی می‌باشند. اما امروز مسلمانان کشورهای دیگر که عمدتاً پیرو تسنن (مذاهب چهارگانه) هستند عمدتاً شعراهای خمینی را تنها پوششی برای سیادت عجم بر عرب (یا شیعه بر سنی) تلقی می‌کنند. از این گذشته اصلاحات سیاسی روزگار نوین، اصل جدائی دین از سیاست را تا حد زیادی در این کشورها جا انداخته است. از اینجاست که می‌بینیم تبلیغات خمینی، جز در پاره‌ای محافظ ذهبی بازتاب مناسبی در کشورهای اسلامی نداشته است.

در داخل ایران هم غیر از مقاومت توده‌های انبوه مخالف حکومت ذهبی، خمینی با معارضات و تشکیکات شرعی روحانیت سنتی ایران مواجه است. مراجع روحانی ایران، آئین فقه‌تفسیری خمینی را "بدعت" می‌شمارند و آئین "ولایتی" را در برابر آن می‌گذارند. روحانیت سنتی ایران از دیرباز با پذیرفتن اصل ولایت امر امام زمان (که بنیاد فقه جعفری است) تلمیحاً اصل جدائی دین از سیاست را قبول کرده است. از اینجاست روایتی که اکثریت مطلق مراجع تقلید معتبر شیعه از شرکت در حکومت خمینی پرهیز می‌کنند و او به ناچار همدستان خود را از میان روحانیون و طلاب کم‌اعتبار و غیر مجتهد برمی‌گزیند. ماجرای

شیعی، بارها از توهین‌ها و آزارهای حکام حجاز، به نزد مراجع خود شکوه برده‌اند، اما آنان جز لحن و نفرین به "غاصبان ملعون" کار دیگری انجام نداده‌اند. این بی‌علی مراجع شیعه در برابر تجاوزات حکام حجاز، ریشه در اعتقاد آنان دارد، زیرا می‌دانستند که هر نوع حرکتی در این زمینه، بی‌تردید بسه درگیری سیاسی خواهد انجامید، چیزی که فقها و علمای شیعه به شدت از آن پرهیز داشتند. در داخلتهائی که از جانب مراجع شیعه در امور سیاسی صورت گرفته، در اغلب موارد - به تصریح خود آنان - نه از سر میل و علاقه، بلکه بسا اکراه و از روی اجبار بوده است. چرا که فقه شیعی - بخاطر نکات شرعی دقیقی که در اینجا مجال بازگفتن آن نیست - داعیه حکومت دنیوی ندارد و پیوسته علم و فقها را به وارستگی و پرهیز از جهان بی اعتبار سیاست فرا می‌خواند.

اما در طول تاریخ روحانیت شیعه، خمینی یکی از چهره‌های نادری است که نه تنها طرفدار دخالت فقها در سیاست، بلکه رسماً خواهان حکومت فقها یا برقراری نظام الهی (تئوکراتیک) است. از این رو مسئله "سلطه" ناپاکان بر حجاز، در نظام فقهی خمینی از دیدگاه تازه‌ای مطرح می‌شود:

اولاً - خمینی نه اهل تقیه، بلکه معتقد به جهاد است. شعراهای حماسی و جهانشایانیه صدر اسلام، جاذب اوست. او پیرو مبارزه فعال و نه مقاومت منفی است. می‌توان گفت که او در برابر مسالمت جوئی امام دوم به پیکار جوئی امام سوم گرایش دارد.

ثانیاً - از نظر فقهی، سیستم "ولایت فقیه" خمینی به دیدگاههای تسنن نزدیکتر است. خمینی به هیچ وجه جانشین مناسبی برای نائینی، اصفهانی، بروجردی و حکیم نیست که به پیروی از نمونه "فقه‌های صفوی"، عمدتاً میانه‌رو، مصالحه جوو سیاست‌گریز بوده‌اند. نسبت خمینی بیشتر به فقهای شیعه "سیاستمداری نظیر نراقی مجتهد و کاشف الغطاء" و سیاستمداران مسلمانانی مثل سید جمال الدین اسدآبادی و حسن بنا می‌رسد. این نگرش بطور خلاصه اعتقاد دارد که اسلام دینی است سیاسی و همه جانبه، که برای تمام جهانیان نازل شده است و اگر تا کنون در سراسر زمین مستقر نشده، ناشی از بی‌همتی و اهمال مسلمانان و فراموشی آنان بوده است. چنانچه فتوحات اسلامی با همان جدیت دوران پیغمبر و یارانش دنبال می‌شد، مسلط اسلام به خاطر حقانیت و نیروی الهی اش تا کنون جهانگیر شده بود. طبیعی است که این نظریه، به فقهای دیگر به دید سازشکار نگرند. خمینی درست به همین فقهای سنتی و غیر سیاسی است که لقب "وفاظا سلاطین" می‌دهد.

خمینی (و پیش از او اسد آبادی) بسبب آن است که برای گسترش اسلام در گام اول باید

سالانه بیش از یک میلیون مسلمان از سراسر جهان، در ماه ذیحجه به مکه می‌روند تا فریضه ذهبی حج را به جا آورند. مکه مقبر کعبه، خانه خدا و قبله مسلمانان، خاستگاه اسلام، زاد شهر پیامبر، نخستین پایگاه اسلام و در یک کلام، مهم‌ترین شهر مقدس مسلمانان ام از شیعه و سنی است. مکه مرکز سرزمین حجاز است که در اوایل قرن بیستم، استعمارگران انگلیس این منطقه را از چنگ سلاطین عثمانی بیرون آوردند و پس از چند سال، خاندان آل سعود را بر آن به پادشاهی رساندند. از آن تاریخ، پادشاهان آل سعود رسماً کلیه دار و آلی مکه به شمار می‌روند و طبعا از مواهب مادی آن هم برخوردار می‌شوند. در حالی که شیعیان، هیچگاه این امر را نپذیرفته‌اند و تسلط پادشاهان آل سعود بر مکه را همواره تصرفی ناحق و غاصبانه به شمار آورده‌اند. شاید بتوان دلایل آنان برای نگرش را به شکل زیر بیان داشت:

اولاً - روابط چاکرانه پادشاهان آل سعود با استعمارگران انگلیس و سپس در دهه‌های اخیر با میراث‌خواران آمریکائیان - یعنی اربابان شرکت‌های نفتی - نشان می‌دهد که این حکام عشرتران و جاه طلب، به لذا ذی دنیوی و منافع شخصی خود بیشتر پای بندند تا به احکام اسلام و رستگاری اخروی!

ثانیاً - از نظر مراجع شیعه، پذیرفتن نیست که کعبه و حریمین شریف، نه تنها از دست "متولیان برحقش" یعنی خودشان (بیرون باشد بلکه بدست کسانی بگردد که دشمنی آنان با شیعه زیاد تر است. تا جایی که شیعیان و هابیان حاکم بر حجاز را ناپاک (نجس) می‌پندارند. از این رو برای شیعیان، رؤیای در اختیار داشتن حجاز، به گونه‌ای حسرت تاریخی بدل گشته است. بخوبی می‌توان دید که چگونه برخی واقعیات تجربی نیز بر این آرزوی تاریخی دامن زده و دیرپایش را باعث کردیده‌اند. شیعیان ایران همواره از مشتاقان عده "مراسم حج بوده‌اند که به خاطر تعصبات ضد شیعی حکام حجاز، پیوسته با درد سرها و دشواریهای فراوان مواجه می‌گردیده‌اند. مثلاً پاره‌ای اختلافات جزئی در اجرائی مناسک حج، اغلب باعث اعمال انواع فشارها و آزارها از جانب ما موران سعودی بوده، یا بی‌حرمتی و بی‌اعتنائی آنان نسبت به گورستان "بقیع" که مدفن چهارتن از امامان و چند پیشوای دیگر شیعه است، همواره شیعیان را آزرده و ناخشنود می‌ساخته است. مراجع شیعه پیوسته از اینکه مقدس‌ترین نهاد اسلام در دستان "ناپاک" حکام سعودی قرار گرفته است، فریاد اعتراض برداشته‌اند و از تعرضات ما موران حجاز به زائران شیعه اظهار انزجار کرده‌اند. اما بخاطر نیالودن اماکن مقدس به درگیری و نزاع، تا کنون پیروان خود را همیشه به مدارا و تقیه اندرز می‌داده‌اند. حاجیان

در لابلای نامه های رسیده از ایران

... با ادامه فشارهای ناشی از اختناق سیاسی، تحجر مذهبی، و بالاخره ادامه جنگ و عارض ناشی از بمباران شهرها، سلامت روانی جامعه دچار صدمات جبران ناپذیری شده است. روزی نیست که در روزنامه ها - با وجود سانسور شدید - خبر از فرزند کشی والدین ندهند. همانقدر از اخبار قتل ها و خودکشی هایی که در مطبوعات انعکاس می یابند، نشان می دهند که تا چه حد سلامت روانی جامعه، دچار اختلال و بیماری شده است. بیمارستانهای روانی، انباشته از بیماران، دیگر نمی توانند پاسخگوی نیاز مراجعه کنندگان بخود باشند. اینها همه، جدا از موج انفجار گرفتگانی هستند که در اثر انفجارات جبهه های جنگ، دچار تشنج های مدام شده، تعادل روانی خود را از دست می دهند.

فشار پلیسی شدید برای در هم کوبیدن هر گونه صدای مقاومت و مخالف خوانی، علا قدرت حرکت جوی توده ای را سلب کرده است. قبح و قبح سبعمانه نیروهای آگاه و پیشگام جامعه و گرفتن اعتراف به گونه دادگاههای تفتیش عقاید قرون وسطایی، مانع از هر حرکت متشکل و متحد زحمتکشان، علیه رژیم شده است. با این وجود، حرکات خود بخودی راهبر چند پراکنده و محدود - می توان در سطح جامعه مشاهده کرد. مردم به اشکال مختلف و با ابتکارات گوناگون می کوشند از گردن نهادن به وضع موجود و تسلیم به رژیم حاکم خود داری کنند...

... شرایط زندگی در ایران روز به روز، بطور وحشتناک و غیر قابل تحلی د شوار می گردد. تورم رو به تزاید و مهار ناپذیر، هر روز کسه می گردد، کمر توده های زحمتکش مردم را بیسش از پیش، خم می کند. زندگی بمعنای متعرفش مدت ها است که از حیات مارخت بر بسته است. ما فقط زنده ایم، چطور، خود مان هم نمی دانیم. اکنون دیگر، فقط تارگران و دهقانان نیستند که طعم فقر و نداری را می چشند، انتشار میانه حال و حتی مرفه نیز از هجوم گرانی و کمبود مایحتاج اولیه، در امان نمانده اند. گوشت کیلوئی ۳۰۰ - تومان، پرنج ۹۰ تومان و روغن ۱۵۰ تومان شده است. وای اگر کسی خانهای از خود نداشته و اجاره نشین هم باشد یا بدتر از آن، نمیدانم می توانید وضع حقوق بگیر را مجسم کنید که حتی سقفی بالای سر خود ندارد و داشتن ما و سرپناهی برای خود و خانواده اش را چون آرزوی دست نیافتنی می پندارد؟ از بیکاران و بیکار شدگان، دیگر سخنی نمی گویم.

افزایش قیمت کالاها، جدا از آن که در بازار آزاد به هیچ وجه قابل کنترل نیست، خود دولت نیز گاه به گاه، به طور رسمی بر بهای اجناس می افزاید که این خود بهانه ای می شود برای افزایش تصاعدی قیمت ها در بازار. برخی کالاها که بطور کلی کمیاب و نادر هستند - شیر خشک از جمله اجناسی است که اطفال ایرانی از آن محرومند، چرا که سوداگران بازار بر سر حیات این کودکان، به معامله گری و سود جوئی می پردازند.

در صفهای تشکیل شده برای گرفتن اجناس کوپنی، گاه تشخیص انسانها از حیوانات گرسنه

مشکل می شود. برای یک شیشه شیر در بسیاری از محله های فقیر نشین، دهها زن به سرو صورت بند یگر پنجه می کشند. پس تعجب نکند اگر می شنوید که اینجا می گویند: "خوارو بار فروشها از متفذترین افراد جامعه هستند."

در واقع، کارگران و زحمتکشان ایران در شرایط بسیار دشواری از حیث تغذیه بسر می برند. برای بسیاری از خانواده ها، گوشت یک رویاست و شیر غذایی تجملی که باید از آن پرهیز کرد. شمار بسیاری از کودکان ایرانی با گرسنگی دست و پنجه نرم می کنند. ناچار برای پر کردن شکمشان از مرسه کنده شده، به سوی کارهای طاقت فرسا و پسر استثمار در کارگاهها رانده می شوند.

با ثابت ماندن حقوقها از هفت سال پیش به این طرف، همراه با افزایش وحشتناک قیمت ها و افزوده شدن عوامل گوناگونی مانند اخاذی دولت به انحاء مختلف بعنوان کمک به جبهه ها، وجود جنگ و بیماران، عدم تامین امنیت اجتماعی، فشارهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک برای در هم کوبیدن هر گونه اندیشه متفاوت با اندیشه حاکم و بالاخره با سلب شدید آزادیهای شخصی حتی در حد لباس پوشیدن و روابط خصوصی، شرایط کنونی زندگی در ایران، با شرایط هیچ جای دیگر دنیا قابل مقایسه و برابری نیست.

خلع شریعتداری تنها یکی از نمود های این تعلق بود که از پرده بیرون افتاد.

با وجود این مقاومتها خمینی همچنان در راه تحقق ایده های سیاسی خود تلاش می کند. خمینی "صدور انقلاب" را مهترین شعار حکومت خود قرار داده است. "انقلاب" در اینجا به تعبیر خمینی به معنی "اسلامی کردن" بنیاد های سیاسی جوامع اسلامی است. تلاشهای خمینی به دلایل معینی، در کشورهای عراق، لبنان و افغانستان با اقبال نسبی مواجه شد. حوادث مکه را نیز بایستی از همین دیدگاه مورد بررسی قرار داد.

هواداران تزویدت مسلمانان، مراسم حج را "کنگره جهانی اسلام" خوانده اند. خمینی چنین می پندارد که حج، شبکه ارتباطی آماده ای است که او را با تمام مسلمانان وصل می کند. از این رو، تبدیل این مراسم مذهبی به یک همایش سیاسی، همواره مورد توجه خمینی بوده است. از آغاز به روی کار آمدن جمهوری اسلامی، به دستور خمینی هر سال عده بیشتری مبلغ در پوشش "بعثه" امام خمینی "به حج فرستاده شد. پس از چند دوره کار تدارکاتی، خمینی

آشکار بود که حکومت اسلامی برای مشارکت حجاج غیر ایرانی و همصدائی آنها ارزش به مراتب بیشتری قائل بوده است. از دیدگاه خمینی آنها سفیران غیر رسمی حکومت اسلامی هستند که می توانند با رساندن پیامهای انقلابی و ولوله ای در جوامع خود بها کنند. این برداشت یاد آوریک شگرد قدیمی است. پیغمبر اسلام هم در کرد هم آئی های مذهبی و تجارتنی، با افراد قبایل دیگر تماس می گرفت و آنها را به تبلیغ در جوامع خود شان بر می انگیزت. ذهنی گرایسی مفرط خمینی، مانع از آن است که درک کند در روزگار ما، عمر احکام عتیق سر آمده و پیروزی او در ایران معلول شرایط مشخص این جامعه است و هیچ ارتباطی به قدرت اسلام ندارد.

رویدادهای خشونت آمیز مکه با بهره برداری گسترده ای که فرمانروایان سعودی و سایر کشورهای عربی از آن کردند، اهداف خمینی را بر آورده نکرد. از دیدگاه او ناگوارترین بخش حوادث، نه حله پلیس عربستان است و نه کشته شدن چند صد تن مسلمان، بل این واقعیت است که اکثریت مطلق زائران مسلمان با او مرام و احساس بیگانگی می کنند.

بر آن بود که امسال به حرکت گسترده تری دست بزنند. در پیام صریحی که به حجاج فرستاد صریحا آنان را با اقدام و تعرض فراخواند. خمینی دلایلی داشت که درست همین امسال کام علی را بردارد:

اولا - کمکهای مالی عربستان سعودی به عراق که در آغاز غیر علنی بود امروز رسمی و آشکار شده است. خمینی مایل بود که با گرفتن زهر چشم، این رژیم را از کمک به عراق بازدارد.

ثانیا - با افزایش فشار نظامی و سیاسی غرب به ایران درد و ماه اخیر، خمینی مایل بود که با کشودن جبهه های تازه ای از تشنج و آشوب هم غرب را در نقاط دیگر درگیر کند و هم قدرت خود را به نمایش بگذارد.

ثالثا - در یک سال گذشته به جنبش اسلامی ضربات متعددی وارد آمده است. دولت های عربی پیش از پیش علیه سازمانهای بنیاد گسرای طرفدار خمینی دست به اقدام سرکوبگرانه می زنند. حرکت اسلامی پیروزه در مصر، تونس، کویت، سوریه و لبنان آسیب جدی دیده است. خمینی قصد داشت با برانگیختن یک خیزش عمومی، به جنبش اسلامی جان تازه ای بدهد. در تبلیغاتی که دولت ایران پس از حوادث مکه پرا انداخت،

پنجمین کودتا در فیلیپین

روز ۲۸ آگوست سال جاری مسیحی، پنجمین کودتای نظامیان، علیه دولت آکینودر فیلیپین با شکست رویو شد. نظامیان فیلیپین که در سرکنونی رژیم مارکوس و روی کار آمدن آکینو سهم داشتند، از ابتدای به قدرت رسیدن آکینو، بدلیل "نرمش وی در مقابل کونیستها" با او از در مخالفت درآمدند. در کودتای اخیر که ظاهراً به رهبری "سرهنگ هوناسان" صورت گرفت، قتل آکینو و خانواده اش، پیش‌بینی شده بود. لازم به یادآوری است که نظامیان، درست مانند دوران مارکوس در حال حاضر نیز از قدرت بسیاری در ارگانهای حکومتی برخوردارند.

کودتای خونین ۲۸ آگوست، بحران همه جانبه ای را بدنبال خود داشت. بنا به گزارش مطبوعات، یکی از اهداف کودتا، برکناری ژنرال "راموس"، فرمانده نیروهای نظامی فیلیپین بوده است. لازم به یادآوری است که در شکست کودتاگه پیشین و کودتای اخیر، ژنرال "راموس" نه از دولت آکینو و سیاستهای وی حمایت می‌کند، نقش اساسی داشته است. "هوناسان" رهبر کودتاگران که اکنون بصورت مخفی زندگی می‌کند، بیان داشته است که هدف کودتا، "تصفیه" اساسی حکومت و رهبری نیروهای نظامی بسوده است که زیر نظر ژنرال راموس عمل می‌کنند.

تحت فشار نظامیان، روز چهارشنبه ۹ سپتامبر، مجموعه کابینه، استعفای خود را به آکینو تقدیم داشت. در این رابطه وزیر دفاع فیلیپین اعلام کرد که هم اکنون با استعفای کابینه، بخشی از خواسته‌های کودتاچیان برآورده گردیده، امکان این وجود دارد که جوئشنج پس از کودتا آرام گیرد. اما، یکروز پس از "استعفای کابینه" ژنرال "راموس" که خود از سوی نظامیان شديداً

تحت فشار قرار دارد، اعلام داشت که از مقامهای خود کناره‌گیری خواهد نمود. برای بررسی اوضاع متشنج و بحران جدی فیلیپین، "شورای حکومتی" که در مواقع ضروری از سوی مجلس فراخوانده می‌شود، تشکیل شد. این شورا از اعضا "کابینه" مستعفی، نظامیان، نمایندگان کلیسا و دیگر شخصیت‌های بلند پایه سیاسی تشکیل گردیده است. سخنگوی ریاست جمهوری پس از دو ساعت و نیم بحث و بررسی در "شورای حکومتی"، اعلام داشت که این ارگان، "در حله اول، بدنبال بهبود مناسبات میان حکومت و نیروهای نظامی" می‌باشد.

این، بزرگترین و جدی‌ترین بحرانی است که آکینو از زمان رسیدن به قدرت با آن روبرو شده است. پس از کودتای اخیر، سخنگوی دولت اعلام داشت که بزودی ترمیم کابینه ای با شرکت "کاندیداهای دیگر" صورت خواهد گرفت. اما به نظر می‌رسد که خانم آکینو، جهت جلب موافقت این کاندیدها، با مشکلات اساسی روبرو گردد. آکینو برای مقابله با کودتاهای احتمالی دیگر و خطری که از این جهت متوجه حکومت اوست در یک سخنرانی تلویزیونی از مردم خواست که "در مقابل کودتاهای تازه هشیار باشند". آکینو در همین سخنرانی تلویزیونی، برای نشان دادن قدرت و نفوذ خود، از یک تظاهرات توده‌ای "برای صلح و اتحاد" سخن گفت. وی همچنین از "هوناسان" رهبر کودتا، چرکهای "ارتش جدید خلق" و طرفداران مارکوس خواست که اسلحه‌ها را به زمین گذاشته، منتظر انتخابات ریاست جمهوری آینده باشند.

خبرگزاریها از مانیل گزارش داده اند که از سوی هوناسان "حکومت ناسیونالیستی موقت"

فرا خوانده شده است. در اطلاعیه "این حکومت" همچنین استعفای آکینو، لاوول و معاونش و ژنرال راموس فرمانده نیروهای نظامی درخواست شده است. هوناسان، همچنین اعلام کرده است که می‌باید، نیروهای نظامی، زیر رهبری حکومت موقت قرار گیرند، انتخابات جدید برگزار شود و تمام کودتاچیان مورد عفو قرار گیرند.

در حال حاضر حکومت آکینو از یک طرف بسا مخالفت شدید و مبارزه نیروهای نظامی که از قدرت گسترده‌ای برخوردارند روبروست، و از سوی دیگر، نفوذ و محبوبیت اولیه خود را از دست داده است. وی پس از سقوط "مارکوس" به توده های مردم که برای به قدرت رسیدن وی، علیه حکومت تا به دندان مسلح مارکوس، مبارزه کرده، پیروز شده بودند، وعده اصلاحات ارضی، بهبود وضع زندگی زحمتکشان و غلبه بر فقر و عقب ماندگی دوران مارکوس را داده بود. آکینو از یک طرف دست نظامیان را برای اعمال هرچه بیشتر قدرت و انجام کودتاهای بی دریغی باز گذاشته و از سوی دیگر عدم اجزای اصلاحات ارضی (به این دلیل که خود از بزرگترین زمینداران فیلیپین است) و اقدامات در راستای بهبود این وضع زحمتکشان، نارضایتی توده های مردم را برانگیخته است. با وجود اینکه آکینو هوادار دمکراسی و "عدم اعمال قهر" می‌باشد، اما تناسب نیروها و قدرت ارتجاع، این واقعیت را نشان می‌دهد که بدون انجام اصلاحاتی که حداقل منجر به تخفیف تضادهای اجتماعی مسجود گردند، این گرایشهای وی شانس چندان نخواهند داشت. ●

اعتصاب کارگران "مرسدس بنز" در آفریقای جنوبی

پس از بزرگترین اعتصاب تاریخ آفریقای جنوبی، یعنی اعتصاب معدنچیان برای بهبود وضع زندگی و افزایش دستمزد، کارگران سیاه پوست کارخانه اتومبیل سازی مرسدس بنز بعد از چندین هفته دست به اعتصاب زدند. کارگران سیاه پوست که از شرایط طاقت فرسای کار و سطح نازل دستمزد رنج می‌بردند، خواهان آن بودند که:

— میزان دستمزد از ۳/۵ راند به ۵ راند بازای هر ساعت کار، افزایش یابد.

ناآوو (NAAWU)، سندیکای ملی کارگران اتومبیل سازی همچنین در دفاع از خواست کارگران کارخانه مرسدس بنز، خواهان آن بود که ۱۸۸ کارگر اخراجی این کارخانه به سرکار خود بازگردند. مدیریت کارخانه از تن دادن به خواست کارگران و سندیکایشان، خسوداری کرده و در راستای همین سیاست، دوباره "اولتیما توم" داد که کارگران باید به سرکار خود بازگردند و گرنه اخراج خواهند شد. مدیریت کارخانه، در توجیه این اقدام خود، با کمال بیشرمی اعلام کرد که در شرایط و مناسبات کار آفریقای جنوبی، معمولاً برای اخطار بیه

آلمان فدرال نیز مشغول به کار است روبروگردید. حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال، حزب سبزها و سندیکای صنایع فلزی این کشور، اخراج ۲۸۰۰ کارگر اخراجی را شديداً محکوم کردند. بگفته سخنگوی حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال اخراج مجموعه کارگران سیاه پوست کارخانه مرسدس بنز، در حقیقت "جانبنداری از سیستم نژاد پرستانه ای است که کارگران سیاه پوست را استثمار می‌کند". "بیر اساس مخالفت روز افزون مجامع کارگری در داخل و خارج و بیوزها حزب مترقی آلمان فدرال و سندیکاهای کارگری این کشور، مدیریت کارخانه مرسدس بنز در "است لندن" روز پنجشنبه ۱۵ سپتامبر مجبور شد منهای ۱۸۸ کارگر که پیش از این به دلایل نژاد پرستانه مدیریت این کارخانه اخراج شده بودند، سایر کارگران سیاه پوست اخراجی (۱۶۰۰ نفر) را بار دیگر به کار فراخواند. شورای مدیریت کارخانه، با توجه به شکست سیاستهای "نژاد پرستانه" خود، هم ناگزیر کارگران اخراجی را بار دیگر به سرکار بازگرداند، و هم مجبور شد که به خواست کارگران جنبی برافزایش دستمزد، تا حدودی گردن نهد. این مبارزه دستاورد های بزرگی برای کارگران آفریقای جنوبی دربر داشته است. ●

کارگران اعتصابی دو یا سه روز بیشتر صبر نمی‌کنند، اما در صد و این "اولتیما توم" پنج هفته تاخیر داشتیم. ۲۸۰۰ کارگر اعتصابی که بردستایی به خواست هایشان پافشاری کرده و به چنین اخطار به هائی توجه نداشتند، روز چهارشنبه ۹ سپتامبر اخراج شدند. این امر، موجی از همبستگی بین الطلی با کارگران سیاه پوست اعتصابی را برانگیخت. ویلی هوس نماینده حزب سبزها در مجلس آلمان فدرال به همین منظور برای اعلام همبستگی با کارگران اعتصابی روز دوشنبه ۷ سپتامبر، وارد "است لندن" شد. وی، درباره شرایط وحشتناک کار در آفریقای جنوبی و در رابطه با اعتصاب کارگران برای رسیدن به خواست های خود، بیان داشت که این امر "یادآور وضع دهشت انگیز کار در دوران اول سرمایه داری است". باید یاد آور شویم که نازلترین سطح دستمزد کارگران کارخانه اتومبیل سازی مرسدس بنز، در آلمان غربی ۱۴/۲۰ مارک و در آفریقای جنوبی ۲/۸۰ مارک می‌باشد. از طرف دیگر، اخراج ۲۸۰۰ کارگر اعتصابی حتی با مخالفت سندیکای صنایع فلزی آلمان فدرال، که یکی از رهبران آن در مدیریت کارخانه مرسدس بنز

رسوایی فروش مین ایتالیایی به رژیم جمهوری اسلامی

طی هفته های اخیر، مقامات قضایی ایتالیا فاش ساختند که موفق به کشف يك بانده قاچاق اسلحه و مواد مخدر شده‌اند که علاوه بر ارسال مین های دریایی، ضد نفوذ تانک به جمهوری اسلامی، تامین اسلحه برای "توربستهای کشورهای آسیائی" به منظور انجام عملیات توربستی در اروپا، جزو برنامه های آن بوده است. به گفته "دادستان کشوری ایتالیا"، باند مزبور تاکنون تعداد ۲ میلیون مین ساخت کارخانه های ایتالیائی را از طریق سوریه به ایران ارسال داشته است. در ارتباط با این مسئله، پلیس ایتالیا ۳۴ نفر را بازداشت کرده است. فرد پنهان و بورلتی "که عضو هیئت مدیره کمپانی فیات و مدیر یک کارخانه صنایع نظامی است، جزو دستگیر شدگان می‌باشد. او متهم است که برخلاف قوانین ایتالیا، اقدام به فروش ادوات جنگی به ارزش چند میلیون دلار به ایران کرده است. به نوشته "روزنامه های ایتالیا"، این ادوات جنگی از طریق اسپانیا، ترکیه، نیجریه و سوریه به ایران ارسال شده‌اند. طبق این گزارشها، علاوه بر فروشندگان اسلحه، غیرمجاز، سازمان مافیا و قاچاقچیان مواد مخدر در اروپا نیز در این ماجراها نقش داشته‌اند. گزارشهای دیگر حاکی از آنند که "آته پلی"، نماینده مجلس ایتالیا و مدیر کمپانی فیات در فروش يك میلیون مین به رژیم جمهوری اسلامی از طریق زئیر و سنگال، دست داشته است. در این رابطه مدیر کارخانه سازنده، مین واقع در شهر "برشا"ی ایتالیا، از کاربر کنار شد.

تاریخ شفاف!

"نیکلای ماسلف"، تاریخدان عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست و آکادمی علوم اتحاد شوروی، در هفته نامه "اخبار مسکو" اعلام داشت که تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی باید در پرتو سیاست گلاسنوست، باز نویسی شود و بجز نکات مبهم و ناگفته آن به روی کاغذ آید. در همین رابطه، وزارت آموزش عالی اتحاد شوروی، فراخوانی جهت تدوین تاریخ حزب صادر کرده است. مجله "مسئله" تاریخ می‌نویسد: "ویرایش جدید تاریخ حزب، باید حاوی نقد تحریف این تاریخ و جنبه‌های گوناگون فعالیت حزب باشد."

دیدار "گارسیا مارکز" با گریچف

گابریل گارسیا مارکز نویسنده نامدار کلمبیایی و برنده جایزه نوبل ادبیات در مسکو با میخائیل گوریچف دیدار کرد. در این دیدار مارکز در گفتگو با مطبوعات شوروی گفت که وی به‌شتر از این، در زمان کنگره بیستم با اشتیاق فراوان از شوروی بازدید کرده بود ولی امروز شرایط بسیار گذشته متفاوت است. امروز در اتحاد شوروی مردم از تحولات استقبال می‌کنند و کسی دارای خوش بینی بی پایه نیست. وی از قول گوریچف گفت که روند بازسازی بغضای دمکراتیک و شرکت روشنفکران و توده های مردم در تحولات جاری بستگی دارد.

باز هم يك "ایران گیت" دیگر!

طبق گزارشهایی که اخیراً منتشر شده‌اند، پس از رو شدن قسمتی از این ماجرا در اوایل سال ۱۹۸۱، کارخانه "نوریکوم" به علت عدم موفقیت در جلب موافقت دولت اتریش در زمینه ادامه معامله با لیبی، فرار دادی با برزیل در ایمن زمینه امضا کرده است. به گفته وزارت کشور اتریش این بار نیز توبهای مورد معامله، به جای برزیل، از طریق همان بندر در یوگسلاوی به ایران فرستاده شده‌اند. هم‌اکنون، اگر چه کلیه اسناد بانکی پرداختها و رسیدهای دریافتی محموله از طرف مقامات ایرانی امضا شده‌اند؛ مسئولان کارخانه از مسئله فروش محصولات خود به جمهوری اسلامی ایران اظهار بی اطلاعی می‌کنند.

ماجرای ادامه فروش ادوات جنگی از طرف کارخانه وابسته به دولت نوریکوم، به "ایران گیت" اتریش معروف شده است. طبق قوانین موجود در این کشور، فروش اسلحه به کشورهای در حال جنگ ممنوع است. قانون مزبور در حال حاضر از دو سو مورد انتقاد قرار دارد: حزب سبزها و سازمان جوانان حزب سوسیالیست اتریش، خواهان قطع کامل صادرات اسلحه از جانب این کشورند؛ در حالیکه احزاب دست راستی خواستار لغو قانون و رفع محدودیتهای موجود هستند. "فرانتس فرانیتسکی" مدیر اعظم اتریش، معتقد است که هم قانون موجود و هم صادرات اسلحه باید با برجا بمانند، چرا که در صورت قطع کامل صادرات اسلحه از طرف اتریش، ۱۰۰۰۰۰ کارگر صنایع نظامی این کشور به صف بیکاران موجود خواهند پیوست.

ماجرای فروش غیر قانونی توبهای جنگی اتریشی به رژیم جمهوری اسلامی که دو سال پیش قسمتهائی از آن افشا شد و از آن زمان تحت بررسی است، اخیراً با کشف نشانه‌های ادامه معامله کارخانه سازنده با وزارت دفاع جمهوری اسلامی ابعاد تازه‌ای یافته است.

اوایل سال ۱۹۸۱ میلادی، روزنامه‌های اتریشی فاش ساختند که ۴۰ فیضه از توبهای ساخت کارخانه "نوریکوم" اتریش، با بیوشورهای به زبان فارسی در بندر "کاردلیوف" یوگسلاوی جزو محمولات يك کشتی مشاهده شده‌اند. کارخانه "نوریکوم" وابسته به کمپانی دولتی "فولست آلپینو" و سازنده ادوات جنگی است. این کارخانه قرارداد فروش ۲۰۰ فیضه از چنین توبهایی را در سال ۱۹۸۴ با دولت لیبی امضا کرده بود. پس از فاش شدن این مسئله که ۱۴۰ فیضه از این توبها به جای لیبی از طریق بندر کاردلیوف یوگسلاوی به ایران ارسال شده‌اند، وزارت کشور اتریش دستور جلوگیری از صدور آنها را صادر کرد. نشانه‌های جدید حاکی از آنند که ارسال این توبها به رژیم جمهوری اسلامی ادامه یافته است.

پلیس اقتصادی اتریش طی بازرسی خود در روز اول سپتامبر سال جاری مسیخی از کارخانه "مزور"، به تلگرامی دست یافته که از طرف وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران به این کارخانه ارسال شده است. تلگرام مزبور حاوی سوال وزارت دفاع جمهوری اسلامی از کارخانه در رابطه با حداقل زمان لازم برای ارسال تجهیزات توپخانه به ایران است. بدنیال آن "پترا اوتنبرگر" مدیر سابق کارخانه "نوریکوم" از طرف پلیس اتریش بازداشت شد.

موج مخالفت مردم ایتالیا

با اعزام کشتی‌های جنگی این کشور به خلیج فارس

ایتالیا در پارلمان روبرو بود. علاوه بر آن، "آند رنوتی" وزیر دفاع ایتالیا، نیز از جمله مخالفان سرسخت این اقدام است. وی چندی پیش در برابر انتقاد های آمریکا و انگلستان از دولت ایتالیا مبنی بر خودداری این کشور از اعزام کشتی‌های جنگی در خلیج فارس، با اشاره به سود هنگفتی که بالا رفتن نرخ بیمه کشتی‌ها در اثر تشدید تنشجات در خلیج فارس نصیب شرکت های بیمه انگلستان کرده است گفت: "نگذارید دیگر از ایران گیت‌های مختلف سخن بگوئیم."

به نوشته "روزنامه های ایتالیا"، در بحثهای پارلمانی که منجر به تصمیم اخیر شد، مورد هدف قرار گرفتن کشتی ایتالیائی در خلیج فارس به "جناحی از حاکمیت جمهوری اسلامی" که مخالف "سیاستهای پراگماتیستی جناحی دیگر به سردمداری هاشمی رفسنجانی" است، نسبت داده شده است.

روزنامه های ایتالیا، موافقت پارلمان این کشور با فرستادن کشتی‌های جنگی ایتالیائی به خلیج فارس را بسیار لشکر کشی موسولینی به اتیوپی مقایسه می‌کنند. اعزام کشتی‌های ایتالیائی به خلیج فارس، با مخالفت گسترده ای در میان مردم ایتالیا روبرو شده است.

دولت ایتالیا که درخواست ریگان از متحدین اروپائی آمریکا برای اعزام کشتی‌های جنگی به خلیج فارس را صراحتاً رد کرده بود، اخیراً با تصویب پارلمان این کشور، ناوگان جنگی خود را به خلیج فارس اعزام کرده است. لازم به یاد آوری است که ایتالیا همچنین مخالف مطرح کردن اصل تحریم تسلیحاتی در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل بود.

تصمیم اخیر پارلمان ایتالیا، ظاهراً با مورد هدف قرار گرفتن نفتکش ایتالیائی حامل نفت کویت در خلیج فارس ارتباط دارد. این تصمیم با مخالفت شدید احزاب "کمونیست"، "سبزها" و "دمکراسی" پروولتاری

مراسم ضد جنگ در "اشتوکن بروک"

از سوی نیروهای مترقی و صلحدوست آلمان فدرال هر ساله مراسمی به یاد ۶۵ هزار تن از قربانیان اردوگاه "اشتوکن بروک" برگزار میشود. اردوگاه "اشتوکن بروک" واقع در ۳۰ کیلومتری شهر بیلفلد در آلمان فدرال، یکی از اردوگاهها اسیران جنگ جهانی دوم بوده است که تنها در فاصله سالهای ۱۹۴۵ - ۱۹۴۱، ۶۵ هزار تن از اسیران این اردوگاه توسط فاشیستهای هیتلری به خاک افکنده شده‌اند.

اکثریت قربانیان این اردوگاه را سربازان ارتش سرخ و بخش دیگر را مبارزین ضد فاشیست کشورهای لهستان، یوگسلاوی، فرانسه و ایتالیا تشکیل می‌دهند.

پنج سپتامبر امسال نیز این مراسم با حضور بیش از چهار هزار نفر برگزار شد. مهمانان خارجی این مراسم را مقامات رسمی کشورهای فوق الذکر و همچنین وابستگان قربانیان این اردوگاه تشکیل می‌دادند. در شروع مراسم علاوه بر مهمانان خارجی، نمایندگان حزب کمونیست، حزب سبزها و حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال سخنانی ایراد کردند.

رفقای ما همچون سال گذشته ضمن حضور در این مراسم، حلقه گل یادبودی را به نشانه بزرگداشت آماجهای انسانی به خاک افتادگان اردوگاه "اشتوکن بروک" بر مزار آنها نهاده و با پخش اعلامیه‌هایی به زبان فارسی و آلمانی به افشای رژیم جنگ افروز جمهوری اسلامی پرداختند.

اعتصاب غذا و راهپیمایی پناهندگان ایرانی در ایالت بایرن آلمان فدرال

مقاضیان ایرانی پناهندگی در ایالت بایرن آلمان فدرال، طی هفته‌های گذشته به دعوت "شورای هماهنگی حرکت اعتراضی پناهندگان ایالت بایرن" که تاکنون فعالیت‌های نسبتاً وسیعی را در جهت مطرح کردن خواستهای صنفی مقاضیان ایرانی پناهندگی در این ایالت سازماندهی کرده است، اقدام به راهپیمایی و اعتصاب غذا در شهرهای نورنبرگ، لاندس هوت، دیتزنورک، کوپورک و سوگند ورف کردند.

سازماندهی یک راهپیمایی همراه با مقاضیان پناهندگی از کشورهای دیگر در ماه ژوئیه سال جاری و تحریم جیره غذایی از جمله اقداماتی هستند که این شورا پیش از این در جهت مطرح ساختن خواستهای مقاضیان پناهندگی انجام داده است.

"شورای هماهنگی" طی نامه سرکشادهای خطاب به ریاست پارلمان ایالت بایرن، خواستهای برنامه راهپیمایی و اعتصاب غذایی را که روز ۱۵ سپتامبر همزمان با شایش‌ترین پارلمان صورت گرفته، بدین شرح اعلام کرده است:

- ۱- کوتاه شدن مدت بلا تکلیفی مقاضیان پناهندگی و رسیدگی هرچه سریعتر به درخواستهای آنان.
- ۲- انسانی کردن شرایط زندگی مقاضیان پناهندگی از طریق انتقال آنان از اردوگاهها (لاگرها) به منازل مسکونی و تحویف حقوق انتخاب مواد غذایی با پرداخت پول به جای

تحویل جیره خشک.
در این نامه با اشاره و اعتراض نسبت به افزایش روزافزون درخواستهای پناهندگی رد شده، همچنین نسبت به بی‌اعتنایی مسئولین در برابر خواستهای مکرر مقاضیان پناهندگی اعتراض شده است.

در قطعنامه‌ای که در پایان راهپیمایی روز ۱۵ سپتامبر در شهرهای نورنبرگ، لاندس هوت و دیتزنورک از طرف شورای هماهنگی صادر شده است، علاوه بر تاکید مجدد خواستهای مقاضیان پناهندگی ایرانی، شرکت کنندگان در راهپیمایی خواستار پذیرش فوری ۱۴ شیلیایی محکوم به مرگ، شده‌اند.

ضمن آرزوی موفقیت برای مقاضیان پناهندگی در ایالت بایرن و شورای هماهنگی انسان در دستیابی به خواسته‌هایشان، امید داریم که از این پس با درج فعالیت‌های آنان در پژواک موفق به برداشتن گامی در جهت انعکاس این خواستها باشیم.

جنبش ما و سیاست...

شده را درک کرده و ببینند که رهبران بزرگ هم می‌توانند راتخاذ سیاستهای خود چهار اشتباهات فاحش شوند. احترام به شخصیت‌های نامور انقلابی، مانع از قبول این واقعیت بود که رهبرانی که در پیش‌بین سیاست‌های کشوریتام در زمان جنگ انقلابی آزاد بیخش، چهره‌های موفق بودند، الزاماً نباید رهبران موفق در دوران صلح و پیش‌بردن امر ساختمان سوسیالیسم نیز باشند و اصولاً انتقاد از سیاست نادرست امروزین این بزرگان نباید به معنی نفی خدمات دیروزین آنان تلقی گردد.

توده‌ایهای مبارز، به شیوه برخورد صریح و روشن خود در ارزیابی رویدادهای از نسوع حوادث قزاقستان شوروی، جنبش اعتراضی دانشجویی در چین، دگرگونی در اجسراب کمونیست مجارستان و چکسلواکی و بدون واژه از برجسبهای رایج چون "گرایشات انورکومونیستی و سوسیال دمکراتیک در جنبش"

ادامه دادند و امروز خرسندند که این متدولوژی برخورد، ولو با دشواری زیاد، به مرور جای خود را در جنبش انقلابی ایران باز می‌کند. در اینجا بار دیگر باید مورد تاکید قرار داد که غلبه بر شیوه تفکر کهن، تنها از طریق یک تحول فکری تمام عیار و انقلاب واقعی در متدولوژی برخورد به مسایل و پدیده‌ها میسر است. برای دستیابی به این چرخش کیفی در شیوه نگرش، اتخاذ پیکرانه سیاست صراحت و شفافیت، در گفتار و کردار کمونیستهای ایران ضرورت قطعی دارد. درک مفهوم و ضرورت تحول فکری و دگرگونیهای نوگرایانه در کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست نیز، تنها در چارچوب چنین انقلابی در اندیشه، امکان پذیر خواهد بود.

راه پیمایی ضد جنگ در برلن غربی

مبارز برلن غربی با حمل پلاکاردی با مضمون "۵ سال جنگ خونین کافست؛ به این جنگ باید پایان داد!" در این مراسم شرکت کردند و با پخش اعلامیه‌های هیئت مؤسسان توده‌ایهای مبارز انحصالی در رابطه با جنگ ایران و عراق به زبانهای فارسی و آلمانی، آوای صلح طلبی و مخالفت با ادامه جنگ مردم میهنمان را، به گوش راهپیمایان رساندند.

روز اول سپتامبر امسال نیز همانند سالهای گذشته، راه پیمایی ضد جنگ با شرکت وسیع همه نیروهای مترقی، احزاب و سازمانهای سیاسی، سند پکاها و کلیساها در برلن غربی برگزار شد. در این راهپیمایی، نیروهای مترقی ایرانی و از جمله توده‌ایهای مبارز برلن غربی نیز حضور داشتند. شعار اصلی نیروهای شرکت کننده ایرانی در این راهپیمایی، لزوم پایان دادن به جنگ ایران و عراق بود. توده‌ایها

منتشر شد:

- بولتن بحث‌های نظری - سیاسی (درونی) جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی (شماره ۱۴) منتشر شد.
در این جزوه سه مقاله با عناوین زیر درج شده است:
۱- نگاهی درباره سیاست ائتلافی
۲- درباره انتزاسیونالیسم اول، دوم و سوم
۳- نگاهی چند درباره نقدی چند بر تزه‌های

آدرس پستی
جدید پژواک:

Postfach 380246 مارک آلمان فدرال

1000 Berlin 38 21.9.87

Nr.14

Pejvak

پژواک

نشریه سیاسی - خبری جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی